

سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی

دکتر حسن روحانی*

چکیده

در نوشتار حاضر پس از اشاره به گونه‌های سرمایه، بر سرمایه اجتماعی تمرکز شده و دیدگاه‌های نظریه پردازان سرمایه اجتماعی معرفی گردیده است. پس از نقد دیدگاه‌هایی که از وجوه منفی سرمایه اجتماعی سخن گفته‌اند، به وجه ارزش شناختی این سرمایه اشاره شده، دیدگاه‌های اسلام در خصوص مفهوم سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار گرفته و مفهوم «سرمایه خانواده» به عنوان مجموعه سرمایه اجتماعی انباشتی، بازتولید و بازتوزیع در خانواده ارائه گردیده است. مقاله پس از طرح محدودیت‌های مربوط به تقویم و ارزیابی نسبت‌های متقابل سرمایه اجتماعی و زندگی خانوادگی، به آثار فرسایشی زندگی مدرن بر سرمایه خانواده در غرب (تحت تأثیر تغییرات گسترده بر نهاد خانواده) می‌پردازد. در بخش پایانی مقاله، آسیب‌شناسی سرمایه خانواده در ایران با اشاره به چهار آسیب مهم (که نوعاً متأثر از تحولات دوران مدرن هستند)، تحلیل گردیده و نسبت به آثار روند واگرا و تهدیدکننده آن هشدار داده شده است.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، سرمایه خانواده، استحکام خانواده، شکاف ارزشی، مصرف‌گرایی

* نماینده مردم استان تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک Email: rouhani@csr.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۲/۱۰

تاریخ ارسال: ۸۹/۱۱/۱۲

فصلنامه راهبرد / سال نوزدهم / شماره ۵۹ / تابستان ۱۳۹۰ / صص ۴۶-۷

خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که از دید همه ادیان و مذاهب و مکاتب به عنوان نهادی عالی، بسیار بااهمیت و غیرقابل جایگزین تلقی شده است. از دیدگاه اسلام، هیچ بنایی نزد خداوند محبوب‌تر از آن وجود ندارد (حرّعاملی، ص ۱۴). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز خانواده به‌عنوان واحد بنیادین جامعه شناخته شده است که قوانین و برنامه‌های لازم در مسیر تسهیل تشکیل آن، پاسداری از قداست آن و استواری روابط آن باید تدوین شوند.

خانواده دارای کارکردهای مهمی از جمله: بازتولید نیروی انسانی، تأمین نیازهای عاطفی و سلامت روانی، ارتقای ظرفیت تحمل و مدارا، نقش سازنده در تأمین یکپارچگی اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان و ارائه الگوها و هنجارهای اخلاقی و رفتاری می‌باشد. همچنین آماده ساختن فرزندان برای پذیرفتن نقش اقتصادی (نیروی اقتصادی مولد)؛ نقش فرهنگی (یادگیری، یاددهی و پایبندی به ارزش‌ها و آرمان‌ها)؛ نقش سیاسی (مشارکت فعال سیاسی و عضویت در تشکل‌ها)؛ نقش امنیتی (انگیزه دفاع از کشور، ارزش‌ها و جامعه امن)؛ نقش زیست‌محیطی (حفظ منابع محیط زیست، آب، خاک و هوا)؛ نقش خانوادگی (فرزندپروری و یا مادری)؛ نقش دینی (یادگیری آموزه‌های دینی و نحوه ترویج آن) و بالاخره نقش اجتماعی (شهروند مطلوب و مشارکت در امور اجتماعی) از کارکردهای آن می‌باشند. پرورش و تکامل کودک و نوجوان در اولین مرحله زندگی در محیط خانوادگی و محل زندگی می‌باشد. همگی اینها تضمین‌کننده نقش اجتماعی خانواده و رابطه این نهاد مهم با «سرمایه اجتماعی» است؛ تا آنجا که می‌توان از واقعیتی تحت عنوان «سرمایه خانواده» سخن گفت (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

۱- گونه‌شناسی سرمایه

اگر بخواهیم به انواع سرمایه‌های مهم یک جامعه اشاره کنیم، باید از سرمایه‌های زیر یاد نمائیم:

۱. سرمایه طبیعی^۱ مثل خاک، آب، معادن و سایر منابع طبیعی؛

۲. سرمایه مالی^۲ به درآمد پول و همچنین سایر منابع و دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را در حقوق مالکیت می‌یابد.

۳. سرمایه فیزیکی^۳ مانند: ماشین‌آلات، تجهیزات و نظایر آن؛

۴. سرمایه انسانی^۴ ویژگی‌های کیفی انسان اعم از آموزش، تخصص، مهارت، داشتن خلاقیت، دانش، نوآوری؛

۵. سرمایه فرهنگی^۵ مجموعه نهادها، عادات، منس‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی که بین افراد شایع است. این سرمایه در واقع قدرت شناخت یا قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد را شامل می‌شود و نیاز به کار طولانی، مداوم و پیگیر، یادگیری و فرهنگ‌پذیری کنشگر را با هدف جزیی از خود کردن و از آن خود کردن، می‌پذیرد (شویره، ۱۳۸۵، ص ۹۷).

۶. سرمایه نمادین^۶: به هر گونه دارایی و سرمایه اطلاق می‌شود که دسته‌ای از اعضای اجتماع آن را درک می‌نمایند، به رسمیت می‌شناسند و برای آن ارزش قایل می‌شوند. این سرمایه که از شأن و حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد، مجموعه ابزارهای نمادینی چون پرستیژ، احترام، قابلیت‌های فرد در رفتارها و گفته‌ها و نیز شکوه و فرمندی را به فرد اعطا می‌نماید (فکوهی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰). در واقع این سرمایه جز در احترام، بازشناسی، باورمندی و اعتبار دیگران به دست نمی‌آید و تا زمانی که باور دیگران را به همراه نداشته باشد، نمی‌تواند دوام بیاورد؛ اما در صورتی که از سوی دیگران با پذیرش همراه شد، آن شخص به مشروعیت دست می‌یابد (جنکینز، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹). به این ترتیب می‌توان سرمایه نمادین را به نوعی سرمایه مشروعیت نامید.^(۱)

-
1. Natural Capital
 2. Financial Capital
 3. Physical Capital
 4. Human Capital
 5. Cultural Capital
 6. Symbolic Capital

۷. سرمایه اجتماعی^۷ مجموعه منابع بالقوه و بالفعل که با عضویت در شبکه‌های اجتماعی^۸ کنشگران و سازمان‌ها به وجود می‌آید. به عبارتی شامل روابط مبتنی بر اعتماد و بده بستان (روابط متقابل) در شبکه‌های اجتماعی است.

۲- دیدگاه‌های مطرح در زمینه سرمایه اجتماعی

از همان اوان که مفهوم «سرمایه اجتماعی» در جامعه‌شناسی مطرح شد تا امروز، شاهد گسترش روزافزون توجه به این مفهوم هستیم. امروزه کمتر متخصص حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی است که تحلیل‌هایش ردپایی از این مفهوم نداشته باشد. بانک جهانی که به‌طور سنتی در راستای رویکرد نولیبرال بر توسعه و رشد تأکید می‌نمود، اینک سرمایه اجتماعی را ابزار اصلی فقرزدایی می‌داند (Grootaert, 1998).

اما از مفهوم «سرمایه اجتماعی» چه مراد می‌شود؟ در زمینه تبیین سرمایه اجتماعی به نظرات چهار تن از صاحب‌نظران می‌پردازیم: کلمن، بوردیو، پوتنام و فوکویاما.

۲-۱- دیدگاه کلمن

کلمن از جامعه‌شناسان مشهوری است که رواج اصطلاح سرمایه اجتماعی بیشتر مدیون اوست. او از سرمایه اجتماعی برای تبیین تفاوت‌ها در زندگی افراد استفاده می‌کند. کلمن اولین محقق بود که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی و عملیاتی‌نمودن آن پرداخت (کلمن، ۱۹۹۸).

به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف^۹ و انتظارات^{۱۰}، مجاری اطلاع‌رسانی^{۱۱}، هنجارها^{۱۲} و ضمانت‌های اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده یا مانع می‌شوند (کلمن، ۱۹۹۸). به عبارتی سرمایه اجتماعی

7. Social Capital
8. Social Networks
9. Obligations
10. Expectations
11. Network of Connections
12. Norms

شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و مضافاً کنش‌های معین افرادی را که در درون این ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد.

۲-۲ دیدگاه بوردیو

بوردیو سرمایه اجتماعی را یکی از اشکال سرمایه می‌داند. سرمایه از نظر او سه شکل بنیادی دارد: «سرمایه اقتصادی» که قابلیت تبدیل شدن به پول را دارد و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت، نهادینه شود. «سرمایه فرهنگی» که در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی مبدل می‌شود و به شکل کیفیت آموزشی نهادینه می‌گردد و «سرمایه اجتماعی» که از الزامات اجتماعی «پیوندها» ساخته شده است و تحت برخی شرایط به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌گردد. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی موقعیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (بوردیو، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

بوردیو، جزو اولین محققانی بود که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه اجتماعی پرداخت. براساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده میان افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود شبکه پیوندها می‌باشد. در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

به اعتقاد بوردیو، سرمایه اجتماعی به‌عنوان شبکه‌ای از روابط یک ودیعه طبیعی یا یک ودیعه اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر بوردیو، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت و بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند (Bourdieu, 1986, p.251).

بورديو تطابقي ميان جايگاه اجتماعي و سليقه‌ها و رفتارها در نظر مي‌گيرد. به نظر او تطابقي ميان فضاي طبقات و فضاي رفتارهاي هريك وجود دارد، براي مثال اينكه فضاي طبقه اجتماعي برتر چه نوع ورزش، نوشيدني، گرايش سياسي و غيره را ترجيح مي‌دهد. به اعتقاد او در هر جامعه و هر دوره ما با مجموعه‌اي از موقعيت‌هاي اجتماعي روبه‌رو هستيم كه در قالب يك رابطه همشكلي با يك رشته از فعاليتها يا ثروت‌ها زير چتر واحد گرد مي‌آيند (بورديو، ۱۳۸۰، ص ۳۱). از ديده‌گاه بورديو موقعيت افراد با توجه به دسترسي‌شان به سرمايه اجتماعي، فرهنگي و اقتصادي تعيين مي‌شود. عادت‌واره‌ها شبكه‌هاي اجتماعي خاصي را فعال مي‌كنند كه اين شبكه‌ها نيز سبب تقويت هنجارها و عضويت‌ها مي‌شوند.

۲-۳- ديده‌گاه پوتنام

نام پوتنام بيش از همه با مفهوم سرمايه اجتماعي پيوند خورده است، زيرا او با موفقيت توانست اين مفهوم را از حلقه علمي و آكادميك خارج كند و وارد عرصه رسانه‌ها نمايد (شارع‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۵). پوتنام با بررسي نواحي ايتاليا و طرح سؤالاتي پيرامون شرايط ضروري براي شكل‌گيري جامعه مدني، جايگاه تازه‌اي به تئوري سرمايه اجتماعي داد و موقعيت اين تئوري را در ادبيات اجتماعي به نحو محسوسي ارتقاء بخشيد.

پوتنام به گونه‌اي متمايز از بورديو، سرمايه اجتماعي را تعريف مي‌كند. به نظر او سرمايه اجتماعي آن دسته از ويژگي‌هاي سازمان اجتماعي است كه هماهنگي و همكاري را براي منفعت متقابل تسهيل مي‌كند. اين ويژگي‌ها عبارت‌اند از: شبكه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعي (ايماني جاجرمي، ۱۳۸۰، ص ۳۷)؛ به عبارت ديگر سرمايه اجتماعي عبارت است از اعتماد، هنجارها و شبكه‌هايي كه همكاري و تعاون را براي نيل به منافع متقابل آسان مي‌سازد.

به نظر پوتنام سرمايه اجتماعي در گروه‌هاي مدني و ديني، پيوندهاي خانوادگي، شبكه‌هاي اجتماعي غيررسمي، دوستان و خويشاوندان، هنجار عمل متقابل، داوطلب‌شدن، از خودگذشتگي و اعتماد نهفته است. هنجارهاي اعتماد و عمل متقابل در بين شبكه‌ها، منابع انساني و اساساً اجتماعي هستند. سرمايه اجتماعي كنش جمعي نيست، بلكه هنجارها و ضمانت‌هاي اعتماد و عمل متقابل^{۱۳} در بين شبكه‌هاي اجتماعي است كه مشكلات غيرقابل

حل کنش اجتماعی را حل می‌کند. شبکه‌های تمدن مدنی (انجمن‌های همسایگی، انجمن‌های تعاونی، کلوپ‌های ورزشی و احزاب) عناصر اصلی سرمایه اجتماعی هستند، چراکه آنها تقویت‌کننده مؤثر هنجارهای عمل متقابل می‌باشند (Winter, 2009, p.3). پوتنام تلویحاً سرمایه اجتماعی را با فضیلت مدنی^{۱۴} پیوند می‌زند. شهروند با فضیلت مدنی به موضوعات سیاسی علاقه‌مند است. از طریق عضویت در انجمن‌های همکاری، اعتماد متقابل و بردباری در برابر نظرات متفاوتی که مطرح می‌شود، پیوند دارد (ایمانی‌جاجرمی، ۱۳۸۰، ص ۳۸). اگر شهروند به دیگری اعتماد کند، بیشتر می‌تواند از روی میل درخواست همکاری و فعالیت اجتماعی داشته باشد. او تأکید می‌کند که اعتماد جنبه‌های اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کند. اعتماد متقابل از استانداردهای متقابل عمومیت یافته و از کارکرد شبکه‌های تعهد مدنی ناشی می‌شود. مردم زمانی با میل همکاری می‌کنند که اعتماد و همکاری در بازگشت اعتماد نقش دارد. بنابراین بدیهی است که سرمایه اجتماعی می‌تواند در سطح فردی مطالعه شود. تأکید پوتنام بر اعتماد به‌عنوان هسته مرکزی سرمایه اجتماعی که زمینه را برای همکاری و توسعه اجتماعی فراهم می‌سازد، موجب شده است تا تحقیقات جدید که پیرامون سرمایه اجتماعی در سطح ملی انجام می‌شود، بیشتر چارچوب نظری پوتنام را مورد استفاده قرار دهد (ایمانی‌جاجرمی، ۱۳۸۰، ص ۳۸)

پوتنام معتقد است این وضعیت را در گذشته دور دنبال کرده و به این نتیجه رسیده است: «نمی‌شود گفت که جوامع چون ثروتمند هستند، مدنی می‌شوند، بلکه برعکس، چون مدنی هستند، ثروتمند می‌شوند» (Pope, 2000). ادعای پوتنام این است که وجود فرهنگ مدنی قوی یا سرمایه اجتماعی، بستر شکل‌گیری دموکراسی و رشد اقتصادی می‌باشد. پوتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی اثرات نیرومندی بر ابعاد گوناگون زندگی ما دارد. برخی از این اثرات عبارت‌اند از: میزان پائین جرم و جنایت (هالپرن، ۱۹۹۹ و پوتنام، ۲۰۰۰)، بهداشت بهتر (ویلکینسون، ۱۹۹۶)، طول عمر بیشتر (پوتنام، ۲۰۰۰)، موفقیت تحصیلی بیشتر (کلمن، ۱۹۸۸)، سطوح برابر درآمدی (ویلکینسون، ۱۹۹۶؛ کراچی و دیگران، ۱۹۹۷)، رفاه بیشتر برای کودکان و سوء استفاده کمتر از آنها (کوت و هیلی، ۲۰۰۱)، فساد اداری کمتر و عملکرد بهتر

دستگاه‌های دولتی (پوتنام، ۱۹۹۵) و عملکرد بهتر اقتصاد از طریق اعتماد بیشتر و کاهش هزینه‌های معامله با یکدیگر (فوکویاما، ۱۹۹۵)؛ تفاوت عمده بین پوتنام با کلمن و بوردیو در این است که پوتنام این مفهوم را فراتر از سطح فردی و در سطح ملی به کار گرفته است (شارع‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

۲-۴- دیدگاه فوکویاما

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی عبارت است از: هنجارهای غیررسمی جاافتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. دامنه هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند، می‌تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جزءبه‌جزء ادیان مانند مسیحیت و یا آئین کنفوسیوس را دربرگیرد، آنها باید در رابطه انسانی واقعی جا افتاده باشند. هنجار متقابل به هنگام سروکار داشتن با تمام مردم به‌طور بالقوه وجود دارد، اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود.

با این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و موارد دیگری که با سرمایه اجتماعی همراه‌اند، تماماً آثار و نتایج سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند. آنها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی چون صداقت، پایبندی به تعهدات، عملکرد قابلیت اطمینان در انجام وظایف (وظیفه‌شناسی) رابطه متقابل و نظیر آن مرتبط هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، تقسیم‌پذیرند؛ یعنی می‌توانند تنها میان گروه معدودی از مردم از همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران. در حالی که سرمایه اجتماعی در همه جوامع وجود دارد، اما نمی‌تواند به طرق مختلف توزیع گردد. سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه‌اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنا دارند که بیش از یک نفر در آن سهیم باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۳). گروهی که حامی سرمایه اجتماعی‌اند، ممکن است به کوچکی دو دست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کنند و یا در پروژه‌های مشترکاً همکاری‌کنند و یا ممکن است در مقیاس بزرگ‌تری تمامی یک ملت باشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اگرچه صاحب‌نظران مسائل اجتماعی از لحاظ تحلیلی و حتی از نظر تعریف و غایت و هدف سرمایه اجتماعی اتفاق نظر ندارند، اما همگی در تأثیرگذاری

و اهمیت این سرمایه متفق القول اند. جدول شماره (۱) می‌تواند در زمینه تفاوت دیدگاه‌ها تا حدی گویا باشد.

جدول شماره (۱) - دیدگاه‌های نظریه پردازان درباره سرمایه اجتماعی

نظریه پردازان	تعریف	سطوح تحلیل	هدف	شاخص‌ها
بورديو (۱۹۸۵)	منابعی که دسترسی به خدمات گروه را آسان می‌کند	افراد / نزاع طبقه	سرمایه اقتصادی	عناوین، نام‌ها، دوستی‌ها، پیوندها عضویت‌ها، شهروندی
کلمن (۱۹۸۸)	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنشگران برای رسیدن به منافعشان از آنها به عنوان منبع استفاده می‌کنند	خانواده / اجتماع	سرمایه انسانی	اندازه خانواده، حضور والدین در خانواده، توقع مادر از آموزش بچه، تحرک خانواده، پیوستگی با کلیسا
پوتنام (۲۰۰۳)	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند.	اجتماع ناحیه	دموکراسی اقتصاد و	عضویت در سازمان‌های داوطلبانه، مشارکت آزادانه، خواندن روزنامه و عضویت آن
فوکویاما (۲۰۰۰)	اشتراک اعضای گروه در مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی که تعاون میان آنها مجاز است	اجتماع ناحیه	توسعه اقتصادی	انحرافات اجتماعی، جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، فرار از پرداخت مالیات، مصرف مواد مخدر، طرح دعوی و دادخواهی

منبع: Morgan, 2003

۳- رفع یک سوء تفاهم در مورد سرمایه اجتماعی

برخی معتقدند که خوش‌بینی درباره سرمایه اجتماعی، صحیح نیست و نباید از ابعاد منفی این سرمایه غفلت نمود (فوکویاما، ۱۳۷۹ و لئونارد، ۲۰۰۴). به زعم آنان سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر نیست و تعهدات درون‌گروهی می‌تواند آنچنان نیرومند باشد که به نتایجی معکوس منتهی شود. در پاسخ لازم است به چند نکته مهم توجه شود: اول اینکه وجه ارزش‌شناختی^{۱۵} این نوع سرمایه‌ها بسیار حائز اهمیت است، در حالی که معمولاً از سوی پژوهشگران غربی مورد غفلت واقع می‌شود. معمولاً چنین تصور می‌شود که علوم اجتماعی و

انسانی (مانند علوم طبیعی)، بایستی خالی از ملاحظات ارزشی باشند تا بتوان بدان‌ها به عنوان «علم» تکیه نمود. متأسفانه غلبه پوزیتیویسم در علم‌شناسی این دیدگاه را به شدت تقویت می‌کند و بدانجا منتهی می‌شود که هرگونه دخالت «زمینه‌ای»^{۱۶} اعم از عناصر ارزشی یا وجوه تاریخی - اجتماعی، در ساخته شدن علم، مورد انکار قرار می‌گیرد. در حالی که هیچ‌گاه ارزش از زوایا و لایه‌های درونی علم جداشدنی نیست و هرگونه ادعای غیرارزشی بودن علم، داعیه‌ای غافلانه و ناشی از ناآشنایی با علم‌شناسی و تاریخ علم است. نگارنده همانند وارن (۲۰۰۱) اعتقاد دارد اکثر آنانی که از آثار منفی سرمایه اجتماعی سخن گفته‌اند، از این نکته مهم غفلت ورزیده‌اند که نه تنها سرمایه اجتماعی بلکه هر سرمایه‌ای، زمانی اطلاق عنوان «سرمایه» به آن میسر است که وجه زمینه‌ای (ارزشی) خود را برتابد و مؤید مؤلفه ارزش‌شناختی خود باشد و این الزام، منحصر به سرمایه اجتماعی نیست. عایدات برآمده از تجارت کوکایین، وجوه حاصل از پورنوگرافی و یا مناسبات شبکه مافیایی را نمی‌توان جزو سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی نامید، چرا که به‌رغم برخورداری از انباشتگی، فاقد اصالت ارزش‌شناختی هستند. بنابراین از دیدگاه ما - که اتکاء به ارزش‌های اسلامی دارد - زمانی می‌توانیم به مجموعه منابع بالقوه و بالفعل درون شبکه‌های اجتماعی به چشم سرمایه نگاه کنیم که با مجموعه ارزش‌های دینی و فرهنگی ما، سازگاری داشته باشند و در غیر این صورت - هر چقدر هم به ظاهر کارآمد و پرمود باشند - از مشروعیت برخوردار نیستند.

نکته آخر در این زمینه آنکه علاوه بر نظام ارزشی مناسب که باید به عنوان گفتمان اخلاقی بر رفتار منابع تولید سرمایه‌های اجتماعی مسلط باشد، حکمرانی خوب نیز عامل مهمی است که می‌تواند ناسازگاری‌هایی را که در این روند میان گروه‌ها پدید می‌آید، به هم‌دلی و وحدت تبدیل نماید.

۴- اسلام و سرمایه اجتماعی

در زمینه دیدگاه اسلام نسبت به سرمایه اجتماعی، گرچه تحقیق چندانی انجام نگرفته است، اما در متون دینی، نکات بسیار مهمی در این زمینه وجود دارد که در زیر به چند روایت اشاره می‌شود:

۱. ابن‌اعین از طرف جمعی از مسلمانان از امام صادق(ع) راجع به حق مسلمان نسبت به مسلمان دیگر سؤال کرد. حضرت فرمود: «انصاف و عدالت نسبت به دیگری به طوری که برای برادر مسلمانش نپسندد آنچه را برای خود نمی‌پسندد»^(۲) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۷۰). در این روایت و روایات مشابه بر معیار و میزان دقیق و ملموسی اشاره شده است. در واقع آنچه مورد انتظار و توقع انسان نسبت به رفتار دیگران نسبت به خود است، همان توقع و انتظار باید ملاک عمل و رفتار او نسبت به دیگران باشد. یعنی آنچه را که برای خود نمی‌پسندیم و از آن کراهت داریم، نباید نسبت به دیگران هم روا بداریم. متأسفانه افرادی را در جامعه سراغ داریم که کوچک‌ترین اهانت، سختی و ملامت را از طرف دیگران تحمل نمی‌کنند، ولی به خود حق می‌دهند که بدترین رفتار را نسبت به دیگران داشته باشند؛ طبق آن مثل معروف که مرگ حق است، ولی برای همسایه. اگر همه ما به این اصل متعهد باشیم و میل خودمان را درباره رفتار دیگران نسبت به خود، وسیله سنجش رفتار خودمان نسبت به دیگران قرار دهیم، می‌تواند عامل مهمی برای روابط مناسب و ترویج فضائل اخلاقی در جامعه باشد.

۲. امام صادق(ع) فرمود: «حق مسلمان بر مسلمان دیگر این است که خود سیر نباشد و برادرش گرسنه؛ خود سیراب نباشد و برادرش تشنه؛ خود پوشیده نباشد و برادرش برهنه. حق مسلمان بر برادر مسلمانش چقدر بزرگ است! دوست بدار برای او آنچه را که خود دوست می‌داری...»^(۳) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۷۰). به فکر دیگران بودن و رفع معضلات و مشکلات دیگران را وظیفه خود دانستن اصل مهمی است که در این‌گونه روایات مورد اشاره قرار گرفته است. به فکر گرسنگان، تشنگان و برهنگان بودن نمونه‌هایی است که در این حدیث بر آنها تأکید شده است. اینکه انسان همه افراد جامعه را همانند خانواده خود ببیند و رفع مشکلات آنها را وظیفه خود بداند، می‌تواند بهترین قرابت و نزدیکی و انسجام و وحدت را در جامعه در پی داشته باشد.

۳. امام صادق(ع) فرمود: «حق مؤمن نسبت به مؤمن دیگر این است که سیر نباشی و او گرسنه، پوشیده نباشی و او برهنه، همواره راهنمای او و عاملی برای حفاظت او باشی...»^(۴) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۷۴).

احساس مسئولیت نسبت به دیگران و وظیفه‌رهنمایی و هدایت و کمک فکری نسبت به هم‌نوعان، یک وظیفه دینی است. همه مسلمانان بر یکدیگر به‌نوعی ولایت دارند که قرآن

می‌فرماید: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض» (قرآن مجید، سوره توبه، آیه ۷۱). همه مردان و زنان با ایمان نسبت به هم، نوعی ولایت و وظیفه سرپرستی را دارند و نمی‌توانند نسبت به دیگران بی‌تفاوت باشند. همچنین بر هر مسلمانی حفاظت و حراست از جان و مال و آبروی دیگر مسلمانان، واجب و لازم است.

۴. پیامبر اسلام(ص) فرمود: «فرد مسلمان آنچه را که نسبت به عزیزترین افراد خانواده‌اش می‌خواهد، برای برادر مسلمانش نیز خواهد خواست و آنچه را که نسبت به عزیزترین افراد خانواده‌اش نمی‌خواهد، برای وی نیز نخواهد خواست...»^(۵) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۷۲).

در این روایت با بیانی واضح‌تر، هر آنچه که انسان برای محبوب‌ترین و عزیزترین اعضای خانواده می‌خواهد، باید برای دیگر مسلمانان هم بخواهد و هر آنچه را که برای آنها نمی‌خواهد، برای سایر مسلمانان هم نخواهد. گاهی تحمل غم و اندوه و مشکل برای خود انسان آسان‌تر است تا برای عضو بسیار عزیز خانواده؛ مشکلات اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی برای خود انسان بیشتر قابل تحمل است تا آنکه برای پسر یا دختر نوجوان یا جوان انسان پیش آمده باشد، به همان صورت باید نسبت به دیگران نیز چنین باشیم. ما باید سایر اعضای جامعه را همانند عزیزترین عضو خانواده خود ببینیم و برای آنها خواهان چیزی باشیم که برای فرزند بسیار عزیز خود می‌خواهیم.

۵. امام صادق(ع) فرمود: «پاسخ به درخواست مؤمن از ده بار طواف کعبه بالاتر است»^(۶) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۹۴). گرچه زیارت خانه خدا و طواف کعبه بسیار ارزشمند و آرزوی همه مسلمانان است و دارای اجر و ثواب فراوانی است، اما اگر به درخواست مسلمانی پاسخ مثبت بدهیم و به او یاری رسانیم، از ده بار طواف خانه خدا نزد خداوند محبوب‌تر است. در بسیاری از روایات حرمت و احترام مؤمن به اندازه حرمت کعبه و حتی بالاتر از آن ذکر شده است. این بیان نشانگر آن است که جایگاه مؤمن از جایگاه کعبه نزد خداوند بالاتر است.

این چند روایت، نمونه کوچکی از حجم بزرگ توصیه‌های پیامبر(ص) و ائمه هدی(ع) نسبت به نحوه رفتار و کمک و تعاون افراد نسبت به یکدیگر در یک جامعه اسلامی است. در مجموعه احکام و موازین اسلامی و دستورات اخلاقی، از مسلمانان خواسته می‌شود که یک عضو مسئول، مهربان، دلسوز، دستگیر و یاری‌دهنده برای سایر افراد جامعه باشند. تلاش آنها کمتر برای منافع شخصی و بیشتر برای منافع جامعه باشد. طبق فرهنگ قرآنی جامعه اسلامی

باید به صورت یک خانواده بزرگ تلقی شود و رفتار مسلمانان در جامعه نسبت به یکدیگر باید با همان مهر و محبت و دلسوزی و مسئولیتی توأم باشد که معمولاً در داخل خانه با اعضای خانواده اعمال می‌شود. بی تردید در صورت استقرار اخلاق اسلامی در جامعه، شاهد بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی خواهیم بود.

۵- نسبت زندگی خانوادگی و سرمایه اجتماعی

گرچه در ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی تأکید کافی بر نقش خانواده‌ها در ساخت سرمایه اجتماعی، خواه در چارچوب شبکه‌های خانوادگی یا حتی شبکه‌های اجتماعی نمی‌شود، در عوض تأکید بیش از حدی بر میزان زمان نسبتاً اندکی که هر فرد صرف همکاری با انجمن‌های داوطلبانه می‌نماید، شده است. این‌گونه فعالیت داوطلبانه نمی‌تواند مهم‌ترین شبکه برای توسعه هنجارهای اعتماد و عمل متقابل باشد (Newton, 1997). به گفته نورتون: «اگر می‌خواهیم نظریه جامع‌تری در مورد ارتباط بین جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی ارائه دهیم، نمی‌توانیم نهادهایی را که نرخ مشارکت در آنها بسیار بیشتر از انجمن‌های داوطلبانه است، نادیده بگیریم؛ [نهادهایی] مانند خانواده‌ها، مدارس و شرکت‌ها. به احتمال بسیار زیاد همین نهادها و نه انجمن‌های داوطلبانه هستند که خالق اصلی شبکه‌های اجتماعی می‌باشند» (Norton, 1997, pp. 5-6).

برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی زندگی خانوادگی را به عنوان سنگ بنای^{۱۷} سرمایه اجتماعی معرفی نموده‌اند (Winter, 2000, p.5). پوتنام معتقد است که: «خانواده اساسی‌ترین شکل سرمایه اجتماعی است» (Putnam, 1995, p.73). بورديو خانواده را اصلی‌ترین مکان تجمع و انتقال سرمایه اجتماعی می‌داند (Bourdieu, 1993, p.33). فوکویاما معتقد است که: «خانواده‌ها منابع مهم سرمایه اجتماعی در همه جا هستند» (Fukuyama, 1999, p.17). به گفته نیوتون: «خانواده می‌تواند اساسی‌ترین منبع سرمایه اجتماعی نیز باشد» (Newton, 1997, p.579).

17. Bed-rock

عقیده بر این است که «خانواده مولدترین محل تولید سرمایه اجتماعی و بنابراین از ارکان فضیلت اجتماعی^{۱۸} (تقوای مدنی) و مردم‌سالاری است» (Putzel, 1997, p.945). ماهیت این نظریه بر این فرض استوار است که خانواده‌ها الگوهای روابط حسنه و فضایل اجتماعی را ارائه می‌دهند (Cox, 1995, pp.28-29).

البته نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی از احتمال کارکرد منفی و غیرارزشی خانواده غافل نبوده‌اند. برای مثال فوکویاما معتقد است که در شرایطی خانواده به عنوان آنتی‌تز سرمایه اجتماعی موجود در اجتماع عمل می‌نماید. به این معنا که روابط خانوادگی و خونی بر سایر اشکال تعهدات اجتماعی تقدم دارد. تحت این شرایط، روابط خانوادگی بیش از حد محکم می‌شود و جایی برای روابط اجتماعی ضعیف‌تر باقی نمی‌گذارد. وفاداری به خانواده و خویشاوندان اصل است و حوزه اعتماد از تعلقات خانوادگی فراتر نمی‌رود. در برخی موارد نیز به نظر می‌رسد نوعی رابطه معکوس بین میزان اعتماد و متقابل بودن آن در داخل و خارج از خانواده وجود داشته باشد. هرگاه یکی از این دو نوع ارتباط نیرومندتر شود، دیگری تضعیف می‌گردد (Fukuyama, 1999, pp.17-18). این کارکرد منفی پیش از آن از سوی مارک گرانووتر در کتاب «ستحکام روابط ضعیف» مورد اشاره قرار گرفت که: «روابط نسبتاً ضعیف اجتماعی بیش از روابط نیرومند خانوادگی پشتیبان یک جامعه مدنی پرنشاط است (Mark Granovetter, 1973). پوتنام نیز با اتخاذ موضعی مشابه معتقد است که: «روابط افقی اجتماعی تأثیر بیشتری در ایجاد سرمایه اجتماعی دارند تا روابط نیرومند دوستانه یا خانوادگی» (Putnam, 1993). البته به نظر نمی‌رسد این گفته با اعتقاد وی مبنی بر اینکه «خانواده اساسی‌ترین شکل سرمایه اجتماعی است» (Putnam, 1995, p.73)، در تضاد باشد. تحقیقات انجام‌شده بر روی سرمایه اجتماعی در استرالیا در جریان مطالعات کاکس و لاتام روشن ساخت که زندگی خانوادگی ممکن است باعث محدود شدن جهان‌بینی و کاهش قدرت تطابق با اجتماع در افراد شود (Harriss & De Renzio, 1997, p.924). به گفته آنها ارتباطات ثانویه مانند باشگاه‌های ورزشی و انجمن‌های کمک متقابل، ممکن است از نقطه نظر تولید سرمایه اجتماعی مفیدتر باشند (Cox, 1995, p.31 & Latham, 1997, p.31). همان‌طور

18. Civic virtue

که پیشتر گذشت، نقش خانواده در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و بازتولید آن نمی‌تواند بدون زمینه‌های ارزشی باشد. چه بسا ما به انجمن‌ها و باشگاه‌هایی برخورد نماییم که نه تنها مولد سرمایه اجتماعی نیستند، بلکه زایل‌کننده آن نیز می‌باشند.

اما آیا می‌توان از چیزی تحت عنوان سرمایه خانواده^{۱۹} سخن گفت؟ همان‌طور که پیشتر اشاره شد، بورديو (۱۹۹۳) خانواده را مرجع انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می‌داند و پوتنام (۱۹۹۵) نیز خانواده را بنیادی‌ترین صورت سرمایه اجتماعی می‌خواند. نیوتن (۱۹۹۷) نیز قائل است به اینکه: «خانواده بنیادی‌ترین سرمایه اجتماعی است». نگارنده با توجه به مراتب فوق معتقد است که می‌توان سازگار با دیدگاه‌های مذکور و با توجه به منابع و ظرفیت‌های برخاسته از تعاملات و پیوندهای طبیعی و خدادادی درون خانواده، از سرمایه خانواده به مثابه مجموعه سرمایه اجتماعی انباشته، بازتولید شده و توزیع شده از سوی این نهاد سخن گفت. در این تعریف، سرمایه خانواده اولاً مانند سرمایه انسانی فراهم‌آورنده فرصت‌های تازه در زندگی از طریق تحرک بخشیدن به پاداش‌های اجتماعی، تقویت معیارهای مشارکت جمعی و تحصیل پیوندها و دستیارها جهت وصول به اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. ثانیاً سرمایه خانواده عنصر مهمی در انباشت و بازتولید سرمایه اجتماعی است و ثالثاً خانواده نقش مهمی در بازتوزیع سرمایه اجتماعی به عهده می‌گیرد. از این منظر، اندیشه‌ورزی در چگونگی سرمایه اجتماعی یک جامعه محدود به ساختارهای اجتماعی مدرن نمی‌شود و همچنین اعضای یک خانواده به مثابه بازیگرانی مهم در بازتولید و بازتوزیع سرمایه اجتماعی ایفای نقش می‌نمایند و والدین در این رویکرد، ظرفیت عظیمی را برای توسعه و تحقق اهداف جامعه در دسترس قرار می‌دهند (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴). می‌توان گفت نه تنها سرمایه خانواده سنگ بنای سرمایه اجتماعی است، بلکه زیربنای همه سرمایه‌های مهم از قبیل سرمایه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، انسانی و اجتماعی نیز می‌باشد. بنابراین می‌توان سرمایه خانواده را سرمایه مستقلی تلقی نمود که ارتباط تنگاتنگی با دیگر سرمایه‌های مهم جامعه دارد. لذا تقویت و تحکیم خانواده و بازگشت ایمان، عشق و اخلاق به درون خانواده وظیفه‌ای همگانی است که موجب باروری و ارتقای سرمایه‌های مهم جامعه خواهد شد.

اما در رابطه با موضوع مورد بحث، دو رویکرد عمده برای بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و زندگی خانوادگی مورد استفاده قرار گرفته است. رویکرد اول به بررسی ساخت سرمایه اجتماعی در چارچوب شبکه‌های خانوادگی و اهمیت این موضوع برای رشد فرزندان می‌پردازد. با استفاده از تعریف چند بعدی پوتنام از سرمایه اجتماعی، تمرکز بیشتری بر سرمایه اجتماعی در چارچوب ارتباطات غیررسمی، قوی، پایدار و چهره‌به‌چهره خانواده شده که در نتیجه آن خانواده حالتی خصوصی یافته است. رویکرد دوم به نقش خانواده در ساخت سرمایه اجتماعی خارج از چارچوب شبکه‌های خانوادگی اشاره می‌کند. حالتی که در آن، سرمایه خانواده، باعث ایجاد نوعی ارتباط با شبکه‌های ماورای خانواده، حوزه‌های اقتصادی غیررسمی و رسمی، نظام سیاسی و اجتماعی می‌شود که طی آن افراد غربیه مورد اعتماد قرار می‌گیرند و نتیجه آن دستیابی به حوزه‌ای عمومی است. مورد دوم، مضمون اصلی ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی است و فرضیه تلویحی آن، این است که داشتن اجتماعات نیرومند، مرهون وجود خانواده‌های نیرومند است (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

در اینجا به بررسی این دو نوع رویکرد (که به نظر نگارنده مکمل یکدیگر هستند)، می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که درک ما از مناسبات متقابل زندگی خانوادگی و سرمایه اجتماعی همچنان محدود است.

۵-۱- سرمایه اجتماعی درون خانواده

در این رویکرد، سرمایه خانواده با توجه به قدرت روابط بین والدین و فرزندان سنجیده می‌شود. گفته می‌شود که این موضوع به حضور فیزیکی بالغین در خانواده و توجهی که آنها به فرزندان می‌نمایند، بستگی دارد. برای سنجش قدرت هنجارهای همکاری در چارچوب خانواده، کلمن اقدام به اندازه‌گیری کیفیت تعامل بین والدین و فرزند می‌نماید (Coleman, 1988, p. 110). نماگر مورد استفاده کلمن عبارت است از فراوانی میزان گفتگوهای صورت گرفته با والدین در مورد مسائل شخصی که البته شیوه چندان دقیقی برای سنجش هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در خانواده به نظر نمی‌رسد. در این حالت، چگونگی تعامل بین والدین و فرزند تا حد یک نماگر کمی تقلیل یافته، فلذا ماهیت این تعامل نادیده گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، این نماگر مشخص نمی‌نماید که آیا تعامل بین والدین و فرزند حالت بحث‌وجدل داشته و مبتن عدم توانایی برای برقراری ارتباط می‌باشد یا خیر. به این ترتیب،

علی‌رغم تأیید اینکه قصد کلمن سنجش چگونگی تعامل بین والدین و فرزند است، نماگرهای مورد استفاده وی که به صورت گذشته‌نگر ساخته شده‌اند، اجازه این کار را نمی‌دهند.

۵-۲- سرمایه اجتماعی فراسوی خانواده

رویکرد دوم، توجه به آن بخش از سرمایه خانواده است که وظیفه بازتولید سرمایه اجتماعی را داشته و باعث تقویت این سرمایه در چارچوب جامعه مدنی می‌شود، یعنی کدام الگوهای زندگی خانوادگی باعث تقویت هر چه بیشتر هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در چارچوب‌های اجتماعی فراسوی خانواده می‌شود. پوتنام در کارهای اولیه خود فرض را بر این می‌گذارد که تغییر در ماهیت و الگوی زندگی خانوادگی کلید درک علت کاهش سرمایه اجتماعی است. از دیدگاه او، خانواده بنیادی‌ترین شکل سرمایه اجتماعی است و شواهد بسیاری مبتنی بر سست شدن پیوندهای درون خانواده وجود دارد (Putnam, 1995, p.73).

پوتنام متوجه شد که «سطح تحصیلات از موارد اصلی شرایط خانوادگی یا فردی است که با افزایش سرمایه اجتماعی همراه است. حتی زمانی که تأثیرات درآمد و شأن اجتماعی بر عضویت در گروه مد نظر قرار داده می‌شود، تحصیلات باز هم عامل اصلی است. افراد تحصیلکرده به احتمال بسیار بیشتری به گروه پیوسته و مورد اعتماد قرار می‌گیرند که بخشی از آن به علت وضعیت اقتصادی بهتر آنها می‌باشد. ولی علت مهم‌تر، برخورداری از مهارت‌ها، منابع و تمایلاتی است که در خانه و مدرسه کسب کرده‌اند» (Putnam, 1996, pp.4-5).

پوتنام دریافت که «از نظر اهمیت ازدواج برای تشکیل سرمایه اجتماعی و با لحاظ کردن اختلافات تحصیلی، سنی و نژادی، مردان و زنان متأهل یک سوم بیشتر از مردان و زنان مجرد قابل اعتماد بوده و ۱۵ تا ۲۵ درصد بیشتر از آنها عضو گروه‌های مختلف می‌شوند. وی نتیجه می‌گیرد که ازدواج موفق، به خصوص در صورتی که فرزندان نیز در خانواده وجود داشته باشند، از نظر آماری با افزایش اعتماد و فعالیت‌های اجتماعی همراه است» (Putnam, 1996, p.8).

پوتنام در راستای یافتن ریشه‌های کاهش سرمایه اجتماعی، انگشت بر تلویزیون می‌گذارد و می‌گوید: «محتوای برنامه‌های تلویزیون باعث افزایش بدبینی نسبت به ماهیت انسانی شده و اعتماد مبتنی بر زمینه‌های مشترک را تضعیف می‌نماید. در این حالت، سایر شرایط خانوادگی که ملازم افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی هستند، در مقایسه با تماشای تلویزیون رنگ

می‌بازند. در مقایسه با میزان تحصیلات، درآمد، سن، نژاد، محل زندگی، وضعیت کاری و جنسیت، تماشای تلویزیون ارتباط نیرومند و منفی با اعتماد اجتماعی و عضویت در گروه‌ها دارد.» از دیدگاه پوتنام، تجربه چهار دهه گذشته شاهد کاهش کلی یک چهارم تا نیمی از سرمایه اجتماعی در امریکا است (Putnam, 1996, p.14).

۵-۳- در جستجوی رابطه زندگی خانوادگی با سرمایه اجتماعی

اینک با توجه به بحث‌های پیش‌گفته و تقسیم‌بندی نسبت‌های بین سرمایه اجتماعی و زندگی خانوادگی، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ جدول شماره (۲) کار ما را آسان می‌سازد و عواملی را که به نظر می‌رسد ارتباط بیشتری با تولید سرمایه اجتماعی در چارچوب شبکه‌های خانوادگی، ورود سرمایه اجتماعی خانواده‌محور به شبکه‌های اجتماعی و برقراری رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده‌محور با شبکه‌های اجتماعی داشته باشند، نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) - عوامل مؤثر در انباشت و تولید سرمایه اجتماعی در خانواده

عوامل ارتباط‌دهنده خانواده به اجتماع	سرمایه اجتماعی فراسوی خانواده	سرمایه اجتماعی درون خانواده
نوع محل (محلیت)	افزایش سطح تحصیلات	مناسبات والدین با فرزندان
نرخ جنایت	دشواری‌های اقتصادی کمتر	
یک‌دستی نژادی	تأهل و فرزندداری	
قطبی بودن درآمد (اختلاف دو قطب)		
ماهیت ارائه خدمات محلی		

منبع: Australian Institute of Family Studies, 2000

مشاهده می‌شود که به رغم آنکه در تبیین تعاملات سرمایه اجتماعی و سرمایه خانواده یا به عبارت دیگر نسبت زندگی خانوادگی و سرمایه اجتماعی، بحث‌ها و تقسیم‌بندی‌های خوبی صورت گرفته، با این همه درک فعلی ما از ارتباط زندگی خانوادگی و سرمایه اجتماعی همچنان نارسا و محدود است. بخشی از این موضوع ناشی از نوپا بودن تحلیل سرمایه اجتماعی است، ولی بخش دیگر ناشی از این امر است که مجموعه داده‌ها به شیوه گذشته‌نگر تحلیل شده و منجر به ساخت متغیرهای غیردقیق سرمایه اجتماعی می‌شوند که نتیجه آن سنجش ضعیف این تعامل است. در واقع علی‌رغم اهمیت مورد تأکید زندگی خانوادگی در تولید سرمایه اجتماعی، این موضوع از نظر تحلیلی همچنان در آغاز راه است. در واقع علی‌رغم تأکیدی که بنیانگذاران اندیشه سرمایه اجتماعی مانند بوردیو، پوتنام و فوکویاما بر اهمیت زندگی خانوادگی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارند، با این حال باید پذیرفت که درک تجربی ما از این

فرآیند هنوز در مراحل ابتدایی بوده و بسیار محدود است. با این همه می‌توان این گزاره را قطعی دانست که هرگونه تغییر در خانواده، تأثیر مهمی بر ابعاد مختلف نظام اجتماعی دارد و پیوندهای درون خانواده، مؤلفه‌ای مهم در هر نظام اجتماعی می‌باشند و بر یکپارچگی اجتماعی تأثیر می‌گذارند. متقابلاً فروپاشی خانواده، سقوط گسترده ارزش‌های اخلاقی همچون تفوق منافع فردی بر ارزش‌های جمعی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین اگر خانواده سالم را سنگ بنای سرمایه اجتماعی تلقی نماییم، شناخت روند تغییرات در خانواده‌ها و تأثیرات آسیب‌شناختی آنها، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۶- خانواده از منظر اسلام

در فرهنگ اسلام، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که از دید برخی از روایات سعادت یا شقاوت انسان و آینده هر فرد در محیط خانه پایه‌ریزی خواهد شد. در زیر به چند نمونه از روایات پیرامون این نهاد و وظایف زوجین و شرایط مطلوب داخل خانواده از دیدگاه اسلام اشاره می‌شود:

۱. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «بهترین شما، بهترین نسبت به خانواده‌اش می‌باشد و من بهترین رفتار را با خانواده‌ام دارم»^(۷) (صدوق، ج ۳، ص ۵۵۵). در این بیان، پیامبر اسلام (ص) میزان و معیار مرد برتر را نحوه رفتار او نسبت به همسرش می‌داند. بنابراین علم و دانش، ثروت و توانمندی، امکانات مختلف مادی، جایگاه مناسب اجتماعی و حتی اخلاق و رفتار خوب در بیرون از خانه، هیچ‌کدام نمی‌توانند شرط کافی برای مرد خوب و نمونه باشند. فقط و فقط میزان برتری، اخلاق و رفتار خوب و شایسته مرد نسبت به همسر و فرزندانش می‌باشد. مرد باید در خانه، پدری مهربان، سرپرستی دلسوز، معلمی مسئول و بزرگی قابل اعتماد برای همه اعضای خانواده باشد و به علائق و خواسته‌های همسر و فرزندانش توجه لازم مبذول دارد. با ورود به خانه سعی کند تا غم و رنج محیط بیرونی را فراموش کند و با لبخند و روی‌گشاده با اعضای خانواده برخورد کند. کار دیگر اعضای خانواده را گرچه کوچک باشد، بزرگ جلوه دهد و با رفتار خوب خود به همه آنها روحیه و اعتماد بیشتری برای آینده زندگی ببخشد.

۲. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «کمال ایمان در سایه بهترین اخلاق است و بهترین شما، کسانی هستند که بهترین رفتار را نسبت به همسرانشان دارند»^(۸) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۲۴).

ایمان بدون فضائل اخلاقی، پسندیده اسلام نیست. در میان فضائل اخلاقی نیز، برترین آن رفتار خوب با همسر و فرزندان است. زن و به ویژه بانویی که سمت مادری هم دارد، دارای شخصیت و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلام است و مرد نمی‌تواند با رفتار نامناسب و برخورد خشن شخصیت وی را خدشه دار نماید. جوانِ پسر و دختر، دارای غرورند و پدر نمی‌تواند نسبت به این غرور بی‌توجه باشد. این خطاست که پدری غرور فرزندش را بشکند و او را تحقیر کند. همه اعضای خانواده مخلوق و محبوب خداوند هستند و هرگونه اهانت نسبت به آنها حرام و عملی نکوهیده است. اگر رفتار مرد توأم با مهربانی و اخلاق حسنه نباشد، موجب شکاف، بی‌اعتمادی و عدم تفاهم در محیط خانه خواهد شد و زندگی خانوادگی را زهرآلود خواهد کرد. رفتار متکبرانه و مردسالارانه، باعث درگیری‌های نابجا، ایجاد حقد و کینه، بدبینی‌های تفرقه‌افکن و حتی برخوردهای دردناک و خطرناک خواهد شد. برخورد غلط با اهل خانه می‌تواند اعضای خانواده را به محیط‌های نامطمئن و حتی خطرناک سوق دهد و آینده آنها را تباہ سازد.

۳. امام سجاد (ع) در رساله حقوق می‌فرماید: «همسران مایه آرامش و انس مردان می‌باشند، پس وظیفه آنان احترام و مدارا و مهربانی نسبت به زنان است»^(۹) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۱۴). در این رساله، امام (ع) احترام به همسران و رفتاری توأم با مدارا و مهربانی را توصیه می‌فرماید. نباید همسران احساس بیگانگی و بی‌علاقگی مرد خانه نسبت به خود را داشته باشند. رفتار باید به گونه‌ای باشد که هر دو احساس شراکت در زندگی نمایند. عدم تفاهم، گرم نبودن کانون خانواده، توقعات بیش از حد و نابجا و خدای ناکرده بی‌اعتمادی‌ها می‌تواند این کانون را به محیطی ناامن و زجرآور تبدیل نماید. گرچه در ایجاد نابسامانی‌ها معمولاً هر دو طرف مقصردند، ولی نقش پدر و قدرت تحمل بیشتر مرد و مسئولیت بیشتر او موجب می‌شوند که مرد وظیفه سنگین‌تری را برعهده داشته باشد. عواطف متقابل، احترام متقابل و خدمات متقابل می‌توانند مهر و عاطفه و محبت را در محیط خانه مستقر و افزایش دهند.

۴. پیامبر (ص) می‌فرماید: «تأمین غذا و پوشاک و روتش نکردن (اخم نکردن) جزو وظایف مردان نسبت به همسرانشان می‌باشد»^(۱۰) (عده الداعی، ص ۸۱؛ الکافی، جلد ۵، ص ۵۱۱ و بحار، ۱۰۳، ص ۲۵۴). بعضی از مردان در محیط خانه معمولاً چهره‌ای درهم‌کشیده

دارند و یا حتی بداخلاق و عصبانی هستند؛ به گونه‌ای که آرزوی همسر و فرزندان این است که دیرتر به خانه بیاید و زودتر از خانه خارج شود. اساس ازدواج از دیدگاه اسلام ایجاد آرامش برای مرد و زن و بالطبع فرزندان است. گرچه هیچ پدری نمی‌تواند رنج فرزندان خود را بخواهد و یا قصد دشمنی با آنان را داشته باشد، اما متأسفانه اخلاق نامناسب برخی از پدران چنین القا می‌کند که گویی هیچ مهر و محبتی نسبت به اعضای خانواده در دل ندارند و همه باید مطیع بی‌چون و چرای اوامر آنها باشند. پدر نباید با فرزندان خود بیگانه باشد و نباید نسبت به همسر احساس مالکیت کند و تنها به فکر راحتی خود باشد. در این روایت حتی روتوش کردن و اخم کردن پدر نسبت به فرزندان و همسر را هم ناروا و اخلاق و رفتار نیک را وظیفه حتمی آنان می‌داند.

۵. پیامبر (ص) می‌فرماید: «بهترین منظره در پیشگاه خداوند، حضور مرد خانه در کنار همسر و فرزندانش در کنار سفره غذاست. خداوند با نگاه رحمت به این جمع می‌نگرد»^(۱۱) (السمرقندی، ۱۴۱۳، ص ۳۴۳). در این روایت بر سفره غذای دسته‌جمعی خانواده تأکید می‌شود. نه تنها غذا خوردن در کنار اعضای خانواده لذت‌بخش‌تر است، بلکه حل بخشی از مشکلات، طرح برخی از پیشنهادات و بیان نصایح نیز معمولاً در کنار همین سفره دسته‌جمعی خانواده صورت می‌گیرند. مثل معروف و عامیانه فارسی که «فلانی سر سفره پدرش بزرگ نشده»، گویای همین موضوع است. اجتماع کنار سفره، یک اجتماع طبیعی میان اعضای خانواده است. بسیاری از درد دل‌ها، گله‌ها، درخواست‌ها، اظهار محبت‌ها، تشویق‌ها در کنار همین سفره‌ها مطرح می‌شوند. پدران و مادران باید شرایط مناسب و فرصت کافی را برای فرزندان خود به‌وجود آورند تا آنها به راحتی نظرات خود را مطرح کنند. پذیرش حرف حق از فرزندان جایگاه بلند پدر یا مادر را تضعیف نمی‌کند، بلکه بالاتر می‌برد. نه تنها به شخصیت آنها لطمه‌ای وارد نمی‌کند، بلکه بر حیثیت آنان می‌افزاید.

۶. پیامبر اسلام (ص) فرموده: «نشست مرد با خانواده‌اش نزد خداوند، از اعتکاف در مسجد من بالاتر است»^(۱۲) (مشکینی، ۱۴۰۶، ص ۳۳). اعتکاف، عبادت ارزشمندی است که فرد برای حداقل سه روز در مسجدی بیتوته می‌کند و از آنجا خارج نمی‌شود و مشغول عبادت می‌شود که روز سوم هم باید در حال روزه باشد. این عبادت جزو عبادت‌هایی بود که شخص پیامبر و اصحاب مقید بودند به آن عمل کنند. در این بیان، پیامبر نشستن کنار همسر و فرزندان و

سخن گفتن با آنان و ملاحظت با اعضای خانواده را از عمل اعتکاف بالاتر می‌داند. پایه‌ریزی شخصیت کودک و تکامل مرد و زن در کنار همین نشست‌ها تبلور می‌یابد. در کنار پدر است که کودک و جوان اصول تربیت، اخلاق، نحوه معاشرت، شیوه درست برخورد با دیگران را می‌آموزند. ضمن اینکه این نشست‌ها روابط صمیمانه‌تر و گرم‌تر را برای خانواده به همراه خواهد داشت.

۷. پیامبر اسلام(ص) فرموده: «تأمین مخارج خانواده برتر و بالاتر از تأمین مخارج جهاد در راه خداست»^(۱۳) (السمرقندی، ۱۴۱۳، ص ۳۴۲). با اینکه جهاد در راه خداوند از واجبات بسیار مهم است و در شرایطی حفظ اسلام، کشور، جان، مال و ناموس یک ملت در سایه آن امکان‌پذیر است و جایگاهی بسیار بلند در فرهنگ اسلام دارد و تأمین مخارج جهاد نیز همانند اصل جهاد مورد تأکید است، لکن طبق این روایت تأمین مخارج خانواده برتر و بالاتر از تأمین نیازهای جهاد است. در واقع پیامبر اسلام با این بیان از یک طرف جایگاه و ارزش خانواده را مشخص می‌کند و از طرف دیگر تأمین مخارج خانواده را وظیفه‌ای حتمی برای پدران می‌داند. پدری که بار سنگین تأمین مخارج را بر دوش می‌کشد، باید بدانند کاری بسیار با ارزش را انجام می‌دهد که ثواب آن بالاتر از جبهه و جهاد است. پیامبر در بیان دیگری می‌فرماید: کار و تلاش و زحمت برای تأمین مخارج خانواده، ارزشی همانند مجاهدت و جانبازی در راه خداوند دارد.^(۱۴) (نوری، ۱۳۲۰، ج ۲، ص ۴۲۴)

۸. پیامبر اسلام(ص) فرمود: «پس از پایان مراسم حج زودتر به سمت خانواده‌تان حرکت کنید که از ماندن در کنار کعبه بهتر است»^(۱۵) (الهنندی، ۱۳۹۷، ص ۲۴). با اینکه حج یکی از مراسم بسیار مهم و شکوهمند عبادی - سیاسی اسلام است و بر همه مسلمانان واجب است که حداقل یک بار در طول زندگی در این مراسم شرکت نمایند و به‌طور طبیعی کسی که به زیارت خانه خدا می‌رود، پس از اعمال حج علاقه‌مند است چند روزی هم در کنار بیت‌محبوب خود بماند و با خدای خود راز و نیاز کند و از معنویت آن خانه بهره جوید، اما پیامبر توصیه می‌کند که حاجی زودتر به سمت خانه و خانواده خود مراجعت نماید. گویی حضور در خانه خود و در کنار خانواده نزد خداوند محبوب‌تر از آن است که در کنار خانه او بمانی. این بیان نشانگر تقدس خانواده و جایگاه رفیع اعضای آن در فرهنگ اسلام است.

۹. پیامبر اسلام (ص) فرموده: «به فرزندانان احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید تا آمرزیده شوید»^(۱۶) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۹۵ و طبرسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۸). در واقع، نقش پدری و مادری از دیدگاه اسلام، مسئولیت‌پذیری در برابر فرزندان است. والدین در زمینه تربیت فرزندان سنگین‌ترین بار وظیفه را بر دوش دارند. این بار مسئولیت تا رسیدن فرزندان به رشد و کمال ادامه دارد. معمولاً مسئولیت تربیت در نوجوانی سخت‌تر از دوران کودکی و دوران جوانی مشکل‌تر از دوران نوجوانی است. والدین ناچارند تلخی‌ها و مرارت‌های فراوانی را در رابطه با تربیت فرزندان خود تحمل کنند. پدری که در خارج از خانه با مشکلات و درگیری‌های فراوانی روبه‌رو بوده، نباید فشارهای ناشی از محیط بیرونی را به محیط خانه منتقل کند و در صورتی که او ناتوان از این امر باشد، بی‌تردید بر سنگینی رنج و فشار روحی خود افزوده است. والدین باید ساعاتی را ویژه فرزندان خود قرار دهند و در آن ساعات رنج و غم‌های زندگی خود را به فراموشی بسپارند. با آنان سخن بگویند، از مسائل آنها آگاه شوند و در حدّ توان به حل آنها بپردازند. بنابراین خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، خانواده‌ای است که روابط اخلاقی متقابل، احترام، عواطف، محبت و عشق، تعهد، تعاون و کمک به یکدیگر و انسجام و هماهنگی در آن حاکم باشند.

۷- چالش‌های فراروی خانواده در عصر مدرن از منظر سرمایه اجتماعی

به اعتقاد نظریه‌پردازان، تغییر اجتماعی در دوران معاصر از چنان ابعاد و کیفیتی برخوردار است که می‌تواند منجر به استحاله کامل جامعه مدرن عصر صنعت به «جامعه در معرض خطر»^{۲۰} شود (Beck, 1996). یکی از ابعاد این در معرض خطر بودن، موضوعی است که از آن با عنوان گسیختگی اجتماعی یاد می‌شود. گسیختگی اجتماعی به مجموعه‌ای از نارسایی‌ها در نظام اجتماعی اشاره دارد که مانع تحقق اهداف جمعی و فردی می‌شوند. در این صورت، راه و رسم پذیرفته‌شده اجتماعی دیگر برقرار نخواهد بود؛ اگرچه هدف عملکرد نیروهای مختلف اجتماعی چه بسا در اصل تغییر نظم اجتماعی نبوده است. گسیختگی اجتماعی در واقع نوعی

شکست در ساختار و سازمان جامعه است که میزان آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. عوامل مؤثر در بروز گسیختگی اجتماعی، عبارت‌اند از: ۱. ناموزونی تغییرات اجتماعی؛ ۲. تعارضات ارزشی و هنجاری؛ ۳. تغییر در شرایط محیطی؛ ۴. تغییرات جمعیتی.

در مجموع هزینه‌های تغییر اجتماعی را می‌توان در قالب مواردی چون افزایش مادی‌گرایی، افزایش فردگرایی، نابودی پیوستگی و تجانس اجتماعی، افزایش و توسعه مناطق شهری به هزینه مناطق روستایی، تشدید نابرابری‌های اجتماعی، نارضایتی اجتماعی، افزایش جرم و آسیب‌های اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی مورد توجه قرار داد که همگی پیامدهای خود را بر نهاد خانواده می‌گذارند.

موضوع دیگری که در همین زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد، بیگانگی اجتماعی ناشی از بحران جوامع صنعتی در دوران گذار آنهاست. این موضوع اینک با دقت بیشتری از سوی جامعه‌شناسان متأخرتر در قالب مفاهیمی چون: ترس و اضطراب، تنها شدن، افزایش جرم و انحرافات اجتماعی، ویرانگری، شکاف‌های اجتماعی و نسلی، تقلیل کیفیت زندگی و غیره، مورد کاوش قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در دوره جدید، مباحثی که در خصوص زوال و فرسایش سرمایه اجتماعی در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده‌اند، گواه مناسبی برای عطف توجه بیشتر به هزینه‌های اجتماعی باشند. برای مثال در مواردی برای سنجش سرمایه اجتماعی از فقدان این سرمایه در قالب اندازه‌گیری میزان‌های مربوط به انحرافات اجتماعی از قبیل: جرم و جنایت، قتل، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و غیره استفاده می‌گردد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸).

فوکویاما در میان تمامی عوامل و پیامدها، بر روی دگرگونی پدیده‌آمده در خانواده تأکید بیشتری دارد، تا آنجا که می‌گوید: «دگرگونی اقتصادی، انقطاع (فروپاشی) را امکان‌پذیر ساخته است که به نوبه خود بر هنجارهای تعاونی معین و حساسی که با خانواده ارتباط دارد، آسیب رسانده و مجموعه‌ای از عوارض اجتماعی مرتبط را به بار آورده است» (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۱). اگر هزینه‌های اجتماعی تغییر را بر روی تقلیل سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار دهیم، باید این تأثیر را در خصوص مؤلفه‌های این سرمایه چون اعتماد اجتماعی در اشکال مختلف (اعتماد بنیادی، اعتماد بین‌فردی و اعتماد تعمیم‌یافته) و نیز مشارکت در اشکال اجتماعی و

سیاسی در سطوح محلی و ملی و در نهایت پیروی از قواعد و هنجارهای جمعی مورد کاوش قرار گیرد.

تحت تأثیر عوامل پیش گفته، هنجارهای حاکم بر زندگی خانوادگی تغییر یافته است. به این ترتیب، «اشکال موجود خانواده، از تصور ثابت و انعطاف پذیر خانواده «مناسب» فاصله گرفته‌اند ... و حتی در درون خانواده‌هایی با ساختار سنتی، رهنمودهای هنجاری جدیدی در حال شکل گرفتن است» (Silva & Smart, 1998, p.4). این طرز تلقی از تغییر زندگی خانوادگی، ناظر بر تغییر در مقیاس شبکه‌های مبتنی بر رابطه خویشاوندی و تغییر در هنجارهای حاکم بر زندگی خانوادگی است.

با توجه به توضیحات فوق و هم‌چنین با توجه به اینکه شبکه‌ها و هنجارها دو عنصر اساسی مفهوم سرمایه اجتماعی هستند و با این فرض که زندگی خانوادگی نقش اساسی در انباشت، تولید و بازتوزیع سرمایه اجتماعی دارد، اکنون می‌توانیم پاسخ این پرسش را به خوبی دریابیم که «چرا میزان سرمایه اجتماعی دست‌کم، در نظام‌های پیشرفته غربی، در حال سقوط می‌باشد.»

۸- تغییرات جدید در شرایط خانواده‌های غربی در دوران معاصر

جان برناردز تغییرات در مناسبات خانوادگی غربی را ناشی از عوامل زیر می‌داند:

الف) جمعیت: کاهش بعد خانواده تا حد پایین‌تر از سطح جانشینی به میزان یک و سه دهم؛

ب) هم‌باشی: این میزان در بریتانیا شامل ۷۰ درصد زوج‌هاست که بعد از دانمارک قرار دارد و میزان آن بیشتر از افراد ازدواج کرده است.

پ) ازدواج: کاهش تعداد ازدواج‌ها و کاهش سن زنان و مردان ازدواج‌کرده؛

ت) بچه‌دار شدن: جدا شدن مسئله ازدواج از بچه‌دار شدن و ازدیاد بچه‌های متولدشده خارج از خانواده به میزان ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۲؛

ث) طلاق و ازدواج مجدد: ناپایداری ازدواج‌ها و امکان‌پذیری تسهیل هر چه بیشتر طلاق؛

۳۷ درصد ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد و از هر ۵ کودک یک نفر دارای والدین مطلقه است.

ج) خانواده‌های ناتنی: در اثر آمار بالای طلاق، هم‌باشی و ازدواج مجدد، انواع خانواده‌های

ناتنی رواج و رشد یافته است.

چ) والدین منفرد یا خانواده‌های تک‌والدینی و پیامدهای این اوضاع در تربیت کودکان: در بریتانیا ۲۲ درصد خانواده‌ها در سال ۱۹۹۵ دارای یک والد بوده‌اند.

ح) فقر خانوادگی: سختی و تنگنای مالی برای تدارک غذا، مسکن، بهداشت، پوشاک و...؛
 خ) طبقه اجتماعی: رشد خانواده‌های کچرو، بزه‌کار، فقیر و جدا از جامعه؛
 د) کار کردن زنان (مادران) در خارج از خانه: اشتغال ۵۱ درصد مادران در اروپا در سال ۱۹۹۵؛

ذ) اهمیت حمایت دولت از کارهای غیرمزدی زنان در خانواده؛
 ر) سال‌خوردگی جمعیت و رشد انواع خانواده سالمند و نحوه نگهداری از آنها؛
 ز) خانواده‌های چندنژادی: مرکب از چند قوم یا نژاد که با هم ازدواج کرده یا مراوده دارند.
 ژ) تنوع سبک زندگی خانوادگی (برناردز، ۱۳۸۴، صص ۵۳-۴۰).
 جانسون معتقد است اشکال متنوع خانواده امریکایی که تحت تأثیر پدیده فردگرایی رادیکال به وجود آمده، عبارت است از:

الف) زندگی در کنار هر دو والد به مدت چندین سال، ب) زندگی با مادر پس از طلاق والدین، پ) زندگی با مادر و ناپدری، ت) تنها زندگی کردن در اوایل بیست سالگی، ث) زندگی با جنس مخالف بدون ازدواج، ج) طلاق و زندگی به تنهایی، چ) ازدواج مجدد و ح) در نهایت، تنهایی پس از مرگ همسر.

از دیدگاه او روندهای حاکم بر خانواده‌های غربی بدین شرح است:
 الف) بدرفتاری در درون خانواده (خشونت خانوادگی)؛
 ب) رشد اشتغال زنان در بیرون از خانه به ویژه در کارهای مراقبتی و نگهداری؛
 پ) کار کردن توأمان زن و شوهر؛
 ت) رشد بیکاری؛
 ث) بازنشستگی؛
 ج) اهمیت‌یابی مقوله جنسیت؛
 چ) رشد مصرف مشروبات الکلی، دخانیات و سایر مواد مخدیری؛
 ح) اهمیت تولید، مصرف و خرید؛
 خ) پیدایش سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر پیوند خانواده و کار (به نقل از برناردز، ۱۳۸۴، صص ۱۵۶-۱۲۷).

در خصوص اینکه ریشه این تغییرات در خانواده چیست، کاستلز معتقد است سه علت در تغییرات خانواده معاصر نقش دارد که عبارت‌اند از: اقتصاد و اطلاعات جهانی، فناوری‌های جدید تولیدمثل و فمینیسم به عنوان یک نهضت چندبعدی؛ علل تقویت گرایش برابری طلبانه، بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، افزایش قدرت مالی و بالا رفتن سطح آگاهی و خودآگاهی (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳).

۹- مهم‌ترین آسیب‌های سرمایه خانواده در ایران

آسیب‌های زندگی خانوادگی در ایران هم‌چون آسیب‌های سرمایه خانواده در ایران، متکثر است. با این حال در این بخش، چهار آسیب مهم را که بر مؤلفه انسجام درون خانواده تأثیر گذارده و بیشترین فرسایش را در سرمایه خانواده ایرانی به دنبال آورده‌اند، مورد توجه قرار داده‌ایم. نکته مهم این است که مروری بر گذشته تحولات، حکایت از آن دارد که این آسیب‌ها روندی فزاینده داشته و تداوم وضعیت موجود به معنای آن است که در آینده با تهدیدهایی جدی در جامعه ایرانی مواجه خواهیم بود که پیامدهای آن محدود به خانواده نخواهد ماند و ابعاد وسیع‌تری را دربر خواهد گرفت.

۹-۱- بیکاری و افزایش سن ازدواج

جمعیت ایران طی ۵۰ سال گذشته از حدود ۱۹ میلیون نفر به ۷۰ میلیون نفر افزایش یافته است. جدول شماره (۳) روند تغییرات متوسط رشد سالانه جمعیت را طی دوره‌های (۱۳۸۵-۱۳۳۵) نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳) - درصد رشد سالانه جمعیت کشور در دوره‌های (۱۳۸۵-۱۳۳۵)

سال	متوسط رشد سالانه جمعیت (درصد)
۱۳۳۵	۳/۱۴
۱۳۴۵	۳/۱۳
۱۳۵۵	۲/۷۱
۱۳۶۵	۳/۹۱
۱۳۷۵	۱/۹۶
۱۳۸۵	۱/۶۱

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن همان طور که ارقام جدول شماره (۴) نشان می‌دهد، آمار بیکاری در میان ۱۵-۲۴ ساله‌ها در نقاط شهری از ۳۵ درصد گذشته و این زنگ خطری برای کشور و به ویژه نسل جوان است.

جدول شماره (۴) - نرخ بیکاری به تفکیک جنسیت و مناطق

شاخص	نرخ و تعداد	کل کشور	مرد	زن	نقاط شهری	نقاط روستایی
نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر	نرخ تعداد	۱۴/۶ ۳۵۱۸۰۷۸	۱۱/۹ ۲۲۸۹۰۰۶	۲۵/۲ ۱۲۲۹۰۷۲	۱۷/۰ ۲۸۷۵۷۳۷	۹/۰ ۶۴۲۳۴۱
نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله	نرخ تعداد	۲۹/۶ ۱۳۸۰۳۲۲	۲۴/۳ ۸۶۴۴۸۹	۴۶/۵ ۵۱۵۸۳۳	۳۵/۸ ۱۰۷۹۵۱۸	۱۸/۲ ۳۰۰۸۰۳
نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۹ ساله	نرخ تعداد	۲۶/۱ ۲۳۲۹۵۶۷	۲۰/۶ ۱۴۰۴۸۶۸	۴۴/۳ ۹۲۴۶۹۹	۳۰/۰ ۱۸۷۵۹۴۷	۱۷/۱ ۴۵۳۶۲۰

ارقام فوق مربوط به بهار ۱۳۸۹ می باشد.

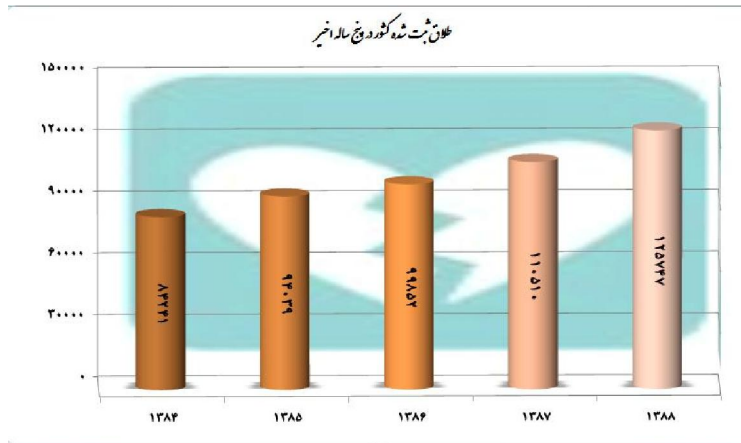
در شرایطی که ۳۵ درصد جمعیت شهری بیکار هستند، به سختی می توان انتظار داشت که ازدواج و تشکیل خانواده صورت گیرد.^(۱۷) این بیکاری دهشتناک، خطر بزرگی برای سلامت و امنیت جامعه است. این بیکاری سبب شده است تا ازدواج به سنین بالا منتقل گردد. این امر را می توان در جدول شماره (۵) مشاهده نمود. به موجب همین جدول، سن ازدواج برای مردان و زنان در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۰ تقریباً دو سال افزایش یافته است.

جدول شماره (۵) - سن ازدواج به تفکیک جنسیت و مناطق در سنوات گذشته

سال	کل		شهری		روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۳۵	۲۴/۹	۱۹	۲۵/۷	۱۸/۵	۲۴/۳	۱۹/۳
۱۳۴۵	۲۵	۱۸/۴	۲۵/۶	۱۹	۲۴/۴	۱۷/۹
۱۳۵۵	۲۴/۱	۱۹/۷	۲۵/۱	۲۰/۲	۲۲/۷	۱۹/۱
۱۳۶۵	۲۳/۸	۱۹/۹	۲۴/۴	۲۰/۲	۲۲/۸	۱۹/۶
۱۳۷۰	۲۴/۴	۲۰/۹	۲۴/۹	۲۱/۱	۲۳/۵	۲۰/۸
۱۳۷۵	۲۵/۶	۲۲/۴	۲۶/۲	۲۲/۵	۲۴/۶	۲۲/۳
۱۳۸۵	۲۶/۲	۲۳/۳	۲۶/۵	۲۳/۳	۲۵/۵	۲۳/۴

منبع: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ و آمارگیری جاری جمعیت، ۱۳۷۰

نمودار شماره (۱) - طلاق ثبت شده در کشور در پنج سال اخیر



منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸

روشن است که بالا رفتن سن ازدواج و افزایش نرخ طلاق، عاملی برای تضعیف خانواده و در نتیجه فرسایش اجتماعی می‌باشد.

۹-۲- شکاف ارزشی

از آنجا که برنامه‌های توسعه در ایران از نخستین برنامه توسعه در سال ۱۳۲۸ تا امروز، عمدتاً بر محور درک فیزیکی و مدرن از توسعه، متمرکز بوده و هیچ‌گاه بر همگامی تحولات اقتصادی با تحولات اجتماعی و فرهنگی تمرکز نداشته و همچنین از آنجا که بومی‌سازی مفهوم توسعه در ایران (به جز در دو سه سال اخیر)، هیچ‌گاه در کانون توجه نبوده است، در نتیجه اولاً خروجی‌های نظام تعلیم و تربیت ما به‌جای عقلانی بودن، به شدت مدرن‌گرا بوده و ثانیاً جامعه دچار گسست‌های ارزشی و فرهنگی می‌گردد. یکی از این گسست‌ها، ناظر بر ناترازی ارزشی بین نسلی در خانواده‌ها می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های خانواده نزد نسل دوم، بیشتر مدرن شده است تا سنتی و در مقابل، والدین بیشتر گرایش به ارزش‌های سنتی دارند تا مدرن. این در مواردی به قطبیدن^{۲۱} ارزشی درون خانواده‌ها منجر گردیده است. این تحقیقات نشان می‌دهد که ارزش‌های والدین با جوانان از نظر اولویت ارزش‌های مادی -

فرامادی، در شکاف افتاده است (کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۶). همچنین تحقیقات روشن می‌کند که در حالی که حدود ۶۰ درصد والدین به ارزش‌های فرامادی گرایش دارند، تنها ۱۳ درصد فرزندان به این ارزش‌ها تمایل نشان می‌دهند (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷). در واقع در مواجهه با تحولات مدرنیته، ما اصل قبول تغییرات در راستای ارتقای ارزش‌ها را برنتابیده‌ایم و لاجرم به فرسایش ارزش‌های بنیادین جامعه خود، گرفتار آمده‌ایم.

۹-۳- نیهیلیسم و تلقین‌پذیری در نسل دوم

انسان همواره یک میل قوی برای درک خود و دنیای اطراف خود داشته و به منظور حمایت از این میل، فعالیت‌های رفتاری و شناختی فراوانی انجام داده است. استیگر، کاشمن، سالیوان و لورنتز (۲۰۰۹)، این‌طور بیان می‌کنند که افراد زمانی که حضور معنا را در زندگی تجربه می‌نمایند، خود و جهان بیرونی را یگانه و منحصر به فرد یافته و هر آنچه را که سعی دارند در زندگی انجام دهند، به خوبی می‌شناسند. به همین دلیل، انسان‌ها در پی یافتن معنای زندگی خویش هستند. در واقع هدف یک نظام تعلیم و تربیت مطلوب آن است که به انسان کمک کند تا بفهمد که تنها نباید به سادگی زندگی نماید، بلکه باید کشف کند که «چرا باید زندگی کند؟».

معنای زندگی از جمله اهدافی است که باید در نظام تعلیم و تربیت کشور بدان پرداخته شود. این در حالی است که بررسی‌ها نشان از آن دارد که این اولویت در نظام تعلیم و تربیت ما دریافت نشده است. می‌دانیم که محتوای کتاب‌های آموزشی نقش بسیار برجسته‌ای در درک معنای زندگی دارد و همچنین دوره متوسطه از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی اجتماعی آدمی است و دوره‌ای است که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان با سایر دوره‌های تحصیلی متمایزاتی داشته و طیف وسیعی از دوران نوجوانی را دربرمی‌گیرد و در این دوره است که مسئله معنادگی به زندگی، به صورت بارزتر مطرح می‌شود. با این حال پژوهش بر روی محتوای دوره دبیرستان از این نظر، حکایت از آن دارد که کتاب‌ها از جنبه آموزش و درک معنای زندگی در موقعیت ضعیفی هستند (اسدپور و حسین‌چاری، ۱۳۸۹، ص ۲۵). این در حالی است که تمامی وجوه گفتمان مدرن به نحو گسترده نسل جوان ما را به نیهیلیسم فرا می‌خواند.

اما در مواجهه با این سؤال که چرا نتوانسته‌ایم نسل جوان را از اعتیاد به نیهیلیسم برآمده از سبک زندگی و تفکر غربی جدا سازیم، پاسخ را باید در فقدان تفکر انتقادی^{۲۲} (یا اصطلاحاً تفکر سطح بالا^{۲۳}) نزد این نسل جستجو کرد. به عبارت دیگر از آنجا که نسل جوان هیچ‌گونه تربیت اندیشه انتقادی از نظام تعلیم و تربیت دریافت نمی‌نماید، لاجرم تلقین‌پذیر بار می‌آید. البته این مشکل تنها به جامعه ما اختصاص ندارد، بلکه غرب نیز چنین گرفتاری دارد؛ اگرچه این معضل برای جامعه ما پیامدهای متفاوتی را به همراه آورده است.

مطالعات انجام‌شده در غرب نشان می‌دهد که مدارس به ندرت استدلال را در دستور کار خود قرار می‌دهند (گودلد و کیتنگ، ۱۹۹۴) و حتی خود معلمان، مهارت‌های ناچیزی در استدلال داشته و اکثراً سوگیری دارند (پرکینز، ۱۸۹۸). مطالعات انجام‌شده در ایران در همین خصوص نیز حکایت از آن دارد که دانش‌آموختگان مراکز تربیت معلم کشور از این نظر وضعیت نگران‌کننده‌ای دارند (نوشادی و خادمی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴). روشن است که در چنین شرایطی، امید به داشتن نسل جوان منتقد و مقاوم در برابر تلقین‌پذیری‌ها، انتظاری بیهوده و برآمده از خوش‌خیالی است. تداوم این روند نه تنها شکاف ارزشی را افزون‌تر می‌سازد، بلکه نیهیلیسم را در جامعه ما تعمیق می‌کند و تهدیدی جدی برای زندگی خانوادگی و سرمایه خانواده خواهد بود. پیامد یک چنین امری، زندگی‌های مشترک بدون ازدواج (هم‌باشی) و سست شدن ارکان خانواده است.

اگرچه برخی (همان‌طور که گذشت) سعی نموده‌اند سستی و فروپاشی در غرب را امری عادی و پیامد تغییرطلبی مدرنیته تلقی نمایند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۸۰)، اما تحولات بعدی نشان داد که باید با این پیامد مدرنیته (که از دیدگاه نگارنده بیشتر متأثر از نیهیلیسم است تا تغییرطلبی مدرنیته)، به مقابله برخاست. نگرانی از این تحولات، اینک چرخش‌های تازه‌ای را شکل داده است تا آنجا که موج سوم فمینیسم برخلاف موج‌های اول و دوم، به این دیدگاه گرایش یافته که نقش مادری، فعالیتی پیچیده، غنی و پرزحمت اما شادی‌آفرین است که بیش از هر چیز دیگری با فطرت زنانه سازگار و نماد عاطفه انسانی است (Elshtain, 1993, p. 132).

22. Critical Thinking
23. Higher Order Thinking

از دیگر پیامدهای نیهیلیسم می‌تواند همان چیزی باشد که مزلو^{۲۴} از آن با عنوان نظریه گلایه^{۲۵} نسل جوان یاد می‌کند که اجازه نمی‌دهد انسان و خانواده از «خرسندی»^{۲۶} برخوردار باشند. متأسفانه دامنه این ناخرسندی از نسل جوان گذشته و معلمان را نیز دربرگرفته است.^(۱۸)

۹-۴- فراگیر شدن مصرف‌گرایی و خودشیفتگی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مدرن، مصرف‌گرایی است که خودشیفتگی یکی از پیامدهای آن می‌باشد. از آنجا که مصرف‌گرایی، ظواهر شخص را به عنوان مهم‌ترین معیارهای ارزشی مطرح می‌سازد و توسعه شخصیت را بیش از هر چیز در خودنمایی می‌بیند، در جامعه مدرن، خودشیفتگی میدان گسترده‌تری برای رشد پیدا می‌کند. برخلاف نظر برخی که معتقدند خودشیفتگی حاصل تفرد مدرنیته است، نگارنده معتقد است مدرنیته بسیار بیش از آنکه تصور می‌شود، «دیگران» و ارزش‌های آنان را در منش فردی دخالت می‌دهد تا آنجا که می‌توان گفت: «خود روزمره، دیگران است» (Heidegger, 1988, p.296).

شخص خودشیفته دنیای بیرونی را به نیازها و تمایلات «خود» مرتبط می‌سازد و فقط می‌پرسد: «این چه فایده‌ای برای من دارد؟» رابطه‌های صمیمانه و خصوصی و همچنین ارتباط‌های وسیع‌تر با دنیای اجتماعی تحت تأثیر خودشیفتگی، رفته‌رفته کیفیتی ویرانگر پیدا می‌نمایند و فعالیت‌های شخص به علت جستجوی مزمن کامیابی، سرد، بی‌روح و فاقد جاذبه می‌شود. در عین حال به سبب بی‌توجهی فرد به دیگران و نادیده گرفتن آنها هرگونه احساس شایستگی و وظیفه‌شناسی به تدریج در او از بین می‌رود و خودپسندی به جای شایستگی و وقار می‌نشیند. خوب بودن عمل یا صحیح بودن اقدام معینی، به معنای آن است که با خواسته‌ها و تمایلات شخص، تطابق داشته و در ضمن قابل عرضه در برابر دیگران نیز باشد (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۲۴۰). در جامعه مدرن‌شده، فرهنگ خودشیفتگی به خانواده تسری یافته و تأثیراتی ویرانگر بر جای نهاده است.

24. Maslow
25. Grumble Theory
26. Happiness

خودشیفتگی در خانواده و در جامعه مدرن، واکنشی است که شخص در برابر خطر تنهایی و رهاشدگی از خود نشان می‌دهد. فرد خودشیفته نه تحت تأثیر وجدان باطنی است و نه دچار احساس گناه است، بلکه بیشتر شخصی آشفته و هیجان‌زده است که به ستایش دیگران نیاز دارد و در عین حال در برابر هرگونه دگرخواهی و رابطه صمیمانه و خصوصی، مقاومت به خرج می‌دهد (کسل، ۱۳۸۳). در جامعه مدرن، گویی اطراف ما پوشیده از آینه است و در میان این آینه‌ها، کوشش ما همواره بر آن است که ظواهر ما، نمایانگر شخصیتی سرزنش‌ناپذیر و متناسب با ارزش‌های باب روز باشد. بررسی‌ها حکایت از آن دارند که زوال خانواده پدرسالار و حتی خانواده به طور کلی، رابطه نزدیکی با خودشیفتگی دارد. خودمداری، وابستگی و عدم پابندی شخصیت‌های خودشیفته به تعهدات اخلاقی، همگی بنیاد خانواده را به خطر انداخته و امکان برقراری روابط صمیمانه اعتمادآمیز را از بین می‌برد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸).

فرجام

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. در میان انواع سرمایه، سرمایه‌اجتماعی جایگاهی ممتاز دارد و هر روز نقش بیشتری را در شناخت مسائل جامعه و تدوین برنامه‌های پیشرفت و توسعه یا رفع عقب‌ماندگی‌ها، عهده‌دار می‌گردد.
۲. در متون اسلامی اگرچه تعبیر سرمایه‌اجتماعی به کار نرفته، ولی مضمون آن به نحو گسترده مورد تأکید بوده و ائمه هدی (علیهم‌السلام) در فرصت‌های مختلف بر مضامین آن توجه داده‌اند.
۳. نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی در دوران معاصر از همان ابتدا به اهمیت نقش خانواده - از زوایای متنوع - توجه نموده‌اند. به این ترتیب می‌توان با توجه به منابع و ظرفیت‌های برخاسته از پیوندهای طبیعی و خدادادی درون خانواده، از سرمایه خانواده به عنوان «مجموعه سرمایه اجتماعی انباشته، بازتولید شده و توزیع شده» در این نهاد، سخن گفت. ارتقاء سرمایه اجتماعی بدون استحکام نهاد خانواده، بسیار دشوار و گاه غیرممکن خواهد بود. از دیدگاه اسلام، هیچ بنایی نزد خداوند محبوب‌تر از خانواده وجود ندارد؛ زیرا سنگ بنای سرمایه اجتماعی را برمی‌سازد.

۴. تربیت اسلامی و رفتار صحیح والدین، فراهم‌آورنده بهترین مسیر برای ارتقای سرمایه خانواده و بازتوزیع آن از طریق تربیت مناسب فرزندان می‌باشد. ضرورت تحقق این تربیت در مدارس نیز واجد اهمیت است. علاوه بر اینکه با توجه به تجربه غرب در بسط آموزش‌های سرمایه اجتماعی در مدارس لازم است این امر در نظام تعلیم و تربیت ما مورد توجه قرار گیرد. همچنین نباید این تربیت را منحصر به فرزندان دانست و از آموزش والدین غفلت نمود؛ که اهمیت آموزش والدین کمتر از آموزش فرزندان نیست. رسانه‌های گروهی در این امر، عهده‌دار وظایفی خطیر هستند.

۵. با توجه به نوباوگی مفهوم سرمایه اجتماعی و سرمایه خانواده، به رغم ترسیم رویکردهای درونی و بیرونی، هنوز با محدودیت‌های فراوانی در چگونگی تقویم و ارزیابی دقیق نسبت‌های بین دو سرمایه یادشده - یا به عبارت دیگر ارتباط زندگی خانوادگی و سرمایه اجتماعی - مواجه هستیم.

۶. در دوران مدرن به لحاظ گفتمانی از ابتدا نگاهی سرد و بی‌تفاوت نسبت به خانواده، انتخاب شد و به همین دلیل، استحکام خانواده بیش از پیش مورد تهدید قرار گرفت. چنین به نظر می‌رسد که گسیختگی و بیگانگی اجتماعی بیشترین تغییرات را بر نهاد خانواده به دنبال داشته است. با این حال در خصوص ریشه‌های این تغییرات، نظریه‌پردازان غربی نظرات متفاوتی ابراز می‌دارند.

۷. آسیب‌های سرمایه خانواده در ایران در مواردی، مشابه جوامع غربی است و از دامن‌گستر شدن تفکر و سبک زندگی غربی ریشه گرفته و در پاره‌ای موارد دیگر از اقتضانات خاص محیطی تأثیر پذیرفته است.

۸. بیکاری و افزایش سن ازدواج، شکاف ارزشی، نیهیلیسم و تلقین‌پذیری در نسل دوم و فراگیر شدن مصرف‌گرایی و خودشیفتگی از جمله آسیب‌های جدی سرمایه خانواده در ایران هستند، زیرا بیشترین خسارت را متوجه استحکام و انسجام درون خانواده ایرانی نموده‌اند. از آنجا که در مواجهه با آسیب‌های مورد اشاره، گام‌های قوی و مؤثری برداشته نشده، بنابراین لازم به نظر می‌رسد که نظام تعلیم و تربیت و سامانه‌های فرهنگ عمومی کشور با فهمی عمیق‌تر از سرمایه خانواده و چالش‌ها و آسیب‌های آن، از حالت انفعال خارج شوند و برنامه‌های کارآمدتری را تدارک نمایند.

پانوشتها

۱. از آنجا که امام خمینی (ره) دارنده بالاترین سرمایه نمادین در تاریخ معاصر ایران بوده‌اند، جا دارد پژوهشگران در ورای مباحث سیاسی با اعتناء به نظریه‌های سرمایه نمادین به بازشناسی گفتارها و رفتارهای ایشان همت گمارند.
۲. ابن اعین قال: كتب [بعض] أصحابنا يسألون أبا عبد الله (ع) عن أشياء و أمروني أن أسأله عن حق المسلم على أخيه، فسألته فلم يجبني، فلما جئت لاودعه فقلت: سألتك فلم تجبني؟ فقال: إني أخاف أن تكفروا إن من أشد ما افترض الله على خلقه ثلاثاً: إنصاف المرء من نفسه حتى لا يرضى لأخيه من نفسه إلا بما يرضى لنفسه منه و مواساه الأخ في المال و ذكر الله على كل حال ليس سبحانه الله و الحمد لله و لكن عند ما حرم الله عليه فيدعه.
۳. أبي عبد الله (ع) قال: حق المسلم على المسلم أن لا يشبع و يجوع أخوه و لا يروى و يعطش أخوه و لا يكتسى و يعرى أخوه، فما أعظم حق المسلم على أخيه المسلم و قال: أحب لأخيك المسلم ما تحب لنفسك و إذا احتجت فسله و إن سألك فأعطه لا تمله خير أو لا يمله لك، كن له ظهر فإنه لك ظهر إذا غاب فاحفظه في غيبته و إذا شهد فزره و أحله و أكرمه فإنه منك و أنت منه فإن كان عليك عاتباً فلا تفارقه حتى تسأل سميحته و إن أصابه خير فاحمد الله و إن ابتلى فأعضده و إن تمحل له فأعنه و إذا قال الرجل لأخيه: أف انقطع ما بينهما من الولاية و إذا قال: أنت عدوى كفر أحدهما، فإذا اتهمه انماث الايمان في قلبه كما ينماث الملح في الماء.
۴. عن معلى بن خنيس قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن حق المؤمن، فقال: سبعون حقاً لا خبرك إلا بسبعة فإنني عليك مشفق أخشى ألا تحتمل فقلت: بلى إن شاء الله، فقال: لا تشبع و يجوع و لا تكتسى و يعرى؛ و تكون دليله و قميصه الذي يلبسه و لسانه الذي يتكلم به و تحب له ما تحب لنفسك و إن كانت لك جارية بعثتها لتمهد فراشه و تسعى في حوائجه بالليل و النهار، فإذا فعلت ذلك وصلت ولايتك بولايتنا و ولايتنا بولاية الله عزوجل.
۵. عمر بن ابان عن عيسى بن أبي منصور قال: كنت عند أبي عبد الله (ع) أنا و ابن أبي يعفور و عبد الله بن طلحة فقال ابتداء منه: يا ابن أبي يعفور قال رسول الله (ص) ست خصال من كن فيه كان بين يدي

- الله عزوجل و عن یمن الله، فقال ابن أبی یغفور: و ما هن جعلت فداک؟ قال: یحب المرء المسلم لأخیه ما یکره لأعز أهله.
۶. تعلق قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: من طاف بالبيت اسبوعاً كتب الله عزوجل و جل له ستة آلاف حسنه و محاه عنه ستة آلاف سيئه و رفع له ستة آلاف درجه - قال: و زاد فيه إسحاق بن عمار - و قضی له ستة آلاف حاجه، قال: ثم قال: و قضاء حاجه المؤمن أفضل من طواف و طواف حتى عد عشرًا.
۷. عنه (ص): خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی.
۸. عنه (ص): أكمل المؤمنین إیماناً أحسنهم خلقاً و خیارکم خیارکم لنسائهم خلقاً.
۹. الإمام زین العابدین (ع) - فی رسالته المعروفه برساله الحقوق - : أما حق الزوجه فأن تعلم أن الله عزوجل جعلها لك سکناً و انساً، فتعلم أن ذلك نعمه من الله عزوجل علیک، فتکرمها و ترفق بها و إن کان حقیک علیها أوجب، فإن لها علیک أن ترحمها.
۱۰. رسول الله (ص): حق المرأه علی زوجها أن یسد جوعتها و أن یستر عورتها و لا یقیح لها وجهها، فإذا فعل ذلك فقد أدى و الله حقها.
۱۱. عنه (ص): إن الله یحب المؤمن و یحب أهله و ولده و أحب شیء إلى الله تعالی أن یرى الرجل مع امرأته و ولده علی مائده یا کلون، فإذا اجتمعوا علیها نظر إلیهم بالرحمه لهم، فیغفر لهم قبل أن یتفرقوا من موضعهم.
۱۲. رسول الله (ص): جلوس المرء عند عیاله أحب الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا.
۱۳. قلت: یا رسول الله، النفقه علی العیال أحب إلیک، أم النفقه فی سبیل الله؟ قال: درهم ینفقه الرجل علی العیال أحب إلی من ألف دینار ینفقه فی سبیل الله.
۱۴. الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله
۱۵. عنه (ص): إذا قضی أحدکم حجه فلیعجل الرحله إلی أهله، فإنه أعظم لأجره.
۱۶. أکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفر لکم.
۱۷. در باب تأثیر نقش بیکاری بر سرمایه خانواده و سرمایه اجتماعی همین اشاره کافی است که خانواده‌هایی با درآمد ماهیانه زیر ۷۵ هزار تومان، بالاترین میزان خشونت و خانواده‌هایی با درآمد ۲۲۶ هزار تومان به بالا، کمترین خشونت را تجربه نموده‌اند (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۳).

۱۸. یک مطالعه موردی نشان می‌دهد که زنان معلم نسبت به زنان خانه‌دار از سلامت روانی و خرسندی کمتری برخوردارند، بنگرید به: نوربخش و همکاران، ۱۳۸۴، صص ۶۲-۳۷.

منابع فارسی

۱. اسدیپور، کبری و مسعود حسین‌چاری، (۱۳۸۹)، بررسی مؤلفه‌های معنای زندگی از منظر اسلام در کتاب‌های درسی، *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، شماره ۵۸/۲
۲. ایمانی‌جارجمی، حسین، (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۷
۳. برناردز، جان، (۱۳۸۴)، *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی
۴. بوردیو، پی‌یر، (۱۳۸۰)، *نظریه کنش*، مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار
۵. پاتنام، رابرت، (۱۳۷۷)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور
۶. _____، (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام
۷. _____، (۱۳۸۴)، *جامعه برخوردار: سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی*، چاپ شده در: تاج‌بخش کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه
۸. جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۴)، *پی‌یر بوردیو*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نشر نی
۹. رفعت‌جاه، مریم، (۱۳۸۶)، *تفرد و شخصیت‌های خودشیفته در خانواده مدرن، فرهنگ اندیشه*، شماره‌های ۲۲ و ۲۳، صص ۱۷۰-۱۵۹
۱۰. روحانی، حسن، (۱۳۸۹)، خانواده، سرمایه خانواده و چالش‌های فراروی جامعه‌ما، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۷
۱۱. شارع‌پور، محمود، (۱۳۷۹)، سرمایه اجتماعی در حال فرسایش است، *کتاب‌ماه علوم اجتماعی (مهر و آبان)*، صص ۱۷-۱۵
۱۲. _____، (۱۳۸۰)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، تهران، نشر کلمه
۱۳. _____، (۱۳۸۳)، *سرمایه اجتماعی: تعاریف، ابعاد و پیامدها*، تهران
۱۴. شویره، کریستین و اولیویه فونتن، (۱۳۸۵)، *واژگان بوردیو*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشر نی
۱۵. فرشاد، محسن، (۱۳۸۵)، *سیمای فلسفی زندگی*، تهران، نشر علم
۱۶. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۴)، *تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران، نشر نی
۱۷. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، *پایان نظم*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان
۱۸. _____، (۱۳۸۵)، *پایان نظم بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، حکایت قلم نوین
۱۹. قاضی طباطبایی، محمود و همکاران، (۱۳۸۳)، *طرح ملی ارزیابی خشونت خانگی علیه زنان*، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور
۲۰. کاستلز، امانوئل، (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احمد علی‌قلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات طرح نو

۲۱. _____ (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، جلد ۲، تهران، طرح نو
۲۲. کاظمی، زهرا، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر شکاف بین‌نسلی ارزش‌های خانواده، *آینده پژوهی مسائل خانواده*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۳. کسل، فیلیپ، (۱۳۸۳)، *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات ققنوس
۲۴. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
۲۵. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز
۲۶. _____ (۱۳۸۳)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی
۲۷. نوابخش، مهرداد و همکاران، (۱۳۸۹)، شاخص‌های موقعیتی مؤثر بر دگرگونی ارزش‌ها، *آینده پژوهی مسائل خانواده*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۸. نوربخش، اعظم؛ حمید آتش‌پور، حسین مولوی، (۱۳۸۴)، مقایسه سبک زندگی، سلامت روانی و شادکامی دبیران و زنان خانه‌دار، *دانش و پژوهش در روانشناسی*، شماره ۲۶، صص ۳۷-۶۲
۲۹. نوشادی، ناصر و محسن خادمی، (۱۳۸۹)، بررسی و سنجش میزان اندیشه انتقادی دانشجویان و مدرسان رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم، *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، شماره ۵۸/۲

منابع عربی

۳۰. السمرقندی، نصرین محمد، ۱۴۱۳ هـ ق، *تنبیه الغافلین*، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول
۳۱. الهندی، علی، ۱۳۹۷ هـ ق، *کنز العمال*، بیروت، بکته التراث الاسلامی، چاپ اول
۳۲. حرّاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، مؤسسه آل‌ال‌بیت لاحیاء التراث، ۳۰ جلدی، جلد ۲۰
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱ هـ ق، *اصول کافی*، بیروت، دار صعب، چاپ چهارم
۳۴. صدوق، ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۴ هـ ق، *مکارم الاخلاق*، قم، مؤسسه نشر، چاپ اول
۳۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ هـ ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم
۳۷. مشکینی، علی، ۱۴۰۶ هـ ق، *المواعظ العددیه*، قم، الهادی، چاپ چهارم
۳۸. نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۳۲۰ هـ ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت^(ع)

منابع لاتین

39. Beck, U., (1996), *Risk Society: Towards a New Modernity*, Sage, London.
40. Bourdieu, P., (1986), "The Forms of Capital", in J. G. Richardson (ed), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, NewYork, London, Greenwood press.
41. Bourdieu, P., (1993), *Sociology in Question*, Sage, London.
42. Coleman, J., (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, Vol. 94.

43. Coleman, J., (1988a), The Creation and Destruction of Social Capital, *Implications for the Law, Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy*, Vol. 3.
44. Cox, E., (1995), *A Truly Civil Society*, ABC Book, Sydney.
45. Elshtain, Jean Bethk, (1993), *Public Man, Private Women*, Princeton University Press.
46. Finch, J., (1989), *Family Obligations and Social Change*, Polity Press, Cambridge.
47. Finch, J. & Mason, J., (1993), *Negotiating Family Responsibilities*, Routledge, London.
48. Fukuyama, F., (1995), Trust: *The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, Penguin, London.
49. _____, (1995), *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, NewYork, Free Press.
50. _____, (1999), *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order*, Free Press, NewYork.
51. Giddens, A., (1982), *Profiles and Critiques in Social Theory*, Macmillan, London.
52. _____, (1992), *The Transformation of Intimacy*, Polity Press, Cambridge.
53. _____, (1996), "Affluence, Poverty and the Idea of a Post-Scarcity Society", in C. Hewitt de Alcantara (ed.), *Social Futures, Global Visions*, Blackwell, Oxford.
54. _____, (1998), *The Third Way: The Renewal of Social Democracy*, Polity Press, London.
55. Goodlad, J. I. and Keating, (1994), *Access to Knowledge: The Continuing Agenda for Our Nation's Schools*, (Rev. Ed.), NewYork: College.
56. Grootaert, Christian, (1998), "Social Capital: The Missing Link?", World Bank, Social Capital Initiative, *Working Paper*, No. 3.
57. Harriss, J. & De Renzio, P., (1997), "Missing Link or Analytically Missing? The Concept of Social Capital", *Journal of International Development*, Vol. 9, No. 7.
58. Heidegger, M., (1988), *Being & Time*, Trans John Macquarie & Edward Robinson, Oxford.
59. Hughes, Elizabeth, (1999), "At Risk on the Cups of Old Age, Living Arrangement and Functional Status among Black and White", *University Press Journal of Gerontology*.
60. Latham, M., (1997), 'The search for social capital', in A. Norton et al., *Social Capital: The Individual, Society and the State*, Centre for Independent Studies, Sydney.
61. Leonard, Madeleine, (2004), Bonding and Bridgine Social Capital: Reflections from Belfast, *Sociology*, London, Vol. 38 (5).
62. Lerner, Danial, (1964), *The Passing of Traditional Society*, NewYork, FreePress.
63. Lyons, M. & Fabiansson, C., (1998), "Is Volunteering Declining in Australia?", *Australian Journal on Volunteering*, Vol. 3, No. 2.
64. Newton, K., (1997), "Social Capital and Democracy", *American Behavioural Scientist*, Vol. 40, No. 5.
65. Norton, A., (1997), "Social Capital and Civill Society: Some Definitional Issues", in A. Norton et al. *Social Capital: The Individual, Society and the State*, Centre for Independent Studies, Sydney.

66. Perkins, D. N., (1989), Reasoning as it is and Could Be: An Empirical Perspective, In D. M. Topping, D. S. Cromwell & V. N. Kobayaski, *Thinking Across Cultures, Third International Conference on Thinking*, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
67. Putnam, R. D. with Leonardi, R. and Nanetti, R. Y., (1993), *Making Democracy Work Civic Traditions in modern Italy*, Princeton University Press, Princeton, NewJersey.
68. Putnam, R., (1993a), The prosperous community: Social capital and public Life, *The American Prospect*, Spring.
69. Putnam, R. D., (1995), "Tuning in, Tuning out: The Strange Disappearance of Social Capital in America", *Political Science and Politics*, December.
70. Putnam, R. (1995), "Bowling alone: America's declining social capital", *Journal of Democracy*, 6.
71. Putnam, Robert P., (1995), "Bowling Alone: Americas Declining Social Capital", *Journal of Democracy*, 6.
72. Putnam, R., (1996), "The Strange disappearance of civic Americas Policy, Autumn.
73. _____, (1998), "Foreword", *Housing Policy Debate*, Vol 9, No. 1.
74. _____, (2000), *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, Simon and Schuster, NewYork.
75. Putnam, Robert D. and Gross Kristin, A., (2001), "Introduction" in Putnam (ed), Democracies in Flux, *The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, Oxford University Press.
76. Putzel, J., (1997), "Accounting for the Dark Side" of social capital: reading Robert Putnam on democracy, *Journal of International Development*, Vol. 9, No. 7.
77. Silva, E., Smart, C., (1998), *The New Family*, Sage Publication, London.
78. Steger, F. M., Kashdman, B. T., Sullivan, A. B. and Lorentz, D. A., (2008), "Understanding the search for meaning in life: personality, cognitive style and the dynamic between seeking and experiencing meaning", *Journal of Personality*, 42.
79. Warren, M. E., (2001), *Social Capital and Corruption*, Paper Presented at Euresco Conference on Social Capital, University of Exeter.
80. Weber, M., (1947), *The Theory of Social and Economic Organisation*, T. Parsons (ed). Free Press, NewYork
81. Winter, I., (1994), *The Radical Home Owner: Housing Tenure and Social Change*, Gordon and Breach, Basel.
82. _____, (2000), "Towards a Theorized Understanding of Family Life and Social Capital", *Working Paper*, No. 21 April.